

Opportunities and Challenges of Cultural Diplomacy between Iran and Tajikistan

Mohammad Mehdi Esmaeli , Assistant Professor of Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Email: m.m.esmaeli@ut.ac.ir

Hossein Shahpari Tarei , Master's degree in Regional Studies (Central Asia and the Caucasus), Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, (Corresponding Author), Email: hosseinshahpari@ut.ac.ir

Mohammad Amin Shahyestekhah Harati , Master's degree in Political Science, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Email: m_shahyesteh@atu.ac.ir

Introduction: Cultural diplomacy has emerged as a significant instrument of international relations in recent decades, serving as a means to foster convergence between nations. At its core, cultural diplomacy involves identifying shared cultural grounds and facilitating artistic and intellectual exchanges to strengthen bilateral relations. It represents a strategic effort to cultivate mutual understanding and influence public perceptions across institutions, organizations, and governments.

For the Islamic Republic of Iran, cultural diplomacy with neighboring regions-particularly Central Asia, which shares profound historical, linguistic, and civilizational ties-offers a platform to enhance regional influence through geocultural strategies. Among the Central Asian republics (Kazakhstan, Uzbekistan, Tajikistan, Kyrgyzstan, and Turkmenistan), Tajikistan stands out due to its deep cultural affinities with Iran. The Persian language, as a key component of this shared heritage, provides a unique foundation for Iran's cultural diplomacy in Tajikistan, creating potential avenues to advance Iran's regional and international objectives. Method: This study adopts an applied research approach with descriptive-analytical methods. Data were collected through a comprehensive review of library resources, academic articles by Iranian and Tajik scholars, and policy documents. Additionally, the research employs policy analysis frameworks to evaluate the opportunities and challenges of Iran-Tajikistan cultural diplomacy, with a focus on Iran's strategic and operational policies.

Results: The cultural commonalities between Iran and Tajikistan form a significant foundation for bilateral relations, with Tajikistan serving as Iran's natural gateway to Central Asia due to their shared linguistic, religious, and civilizational heritage. This connection gains added importance when considering Central Asia's geopolitical context - as a landlocked region of over 70 million inhabitants with limited access to global markets, it presents substantial economic and strategic opportunities that position Tajikistan as a crucial element in Iran's foreign policy calculus. This study posits that the historical, linguistic (particularly the Persian language), and religious ties between the two nations create exceptional conditions for cultural diplomacy. However, this potential remains constrained by several key challenges: insufficient utilization of existing opportunities stemming from non-pragmatic approaches, the predominance of security-political considera-



tions over cultural-historical synergies, institutional fragmentation among cultural diplomacy bodies, and active competition from regional rivals working to diminish Iran's influence. Addressing these obstacles while effectively leveraging the deep-rooted shared heritage could significantly enhance Iran's cultural diplomacy efforts and strengthen its regional position in Central Asia.

Keywords: Cultural Diplomacy, Constructivism, Geoculture, Iran, Tajikistan, Opportunities, Challenges



فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی فرهنگی ایران و تاجیکستان

محمد مهدی اسماعیلی^۱، حسین شاه‌پری طرئی^۲، محمد امین شایسته‌خواه هراتی^۳

چکیده

ایران و تاجیکستان هر دو متعلق به حوزه جغرافیایی، تمدنی و فرهنگی ایران بزرگ هستند و بر همین اساس مشابهت‌های فرهنگی و تاریخی زیادی دارند. این مشابهت‌های فرهنگی نیز همچون روابط سیاسی و اقتصادی بستری برای تقویت روابط میان دو کشور را فراهم می‌کند. براین اساس این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که چالش‌ها و فرصت‌های دیپلماسی فرهنگی ایران در قبال تاجیکستان چیست؟ فرضیه این پژوهش در پاسخ به پرسش حاضر دربرگیرنده مؤلفه‌هایی به عنوان فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی فرهنگی میان دو کشور است. به این صورت که زبان فارسی، نوروز، تاریخ مشترک، وابستگی‌های نژادی، اشتراکات دینی و آداب و رسوم مشترک به عنوان فرصت‌های دیپلماسی فرهنگی میان دو کشور می‌تواند سبب همگرایی بیشتر ایران و تاجیکستان شود که این مسئله نیاز به اتخاذ سیاست پایدار و پیگیری مداوم دستگاه دیپلماسی فرهنگی کشور دارد تا از این فرصت‌ها به‌خوبی بهره‌برداری شود. چالش‌های دیپلماسی فرهنگی ایران در قبال تاجیکستان نیز به دو سطح داخلی و خارجی تقسیم شده است. در سطح داخلی از جمله عدم اتخاذ رویکرد واقع‌گرایانه در روابط میان دو کشور و عدم هماهنگی و موازی‌کاری میان دستگاه‌های متولی دیپلماسی فرهنگی ایران و در سطح خارجی نیز فعالیت رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دارای تضاد منافع با ایران در تاجیکستان و تلاش آن‌ها برای اثرگذاری فرهنگی و سیاسی بر عرصه عمومی و نخبگانی این کشور، مهم‌ترین چالش‌های دیپلماسی فرهنگی در روابط دو کشور است.

واژگان کلیدی

دیپلماسی فرهنگی، سازه‌انگاری، ژئوکالچر، ایران، تاجیکستان، فرصت‌ها، چالش‌ها

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۳
۱. استادیار علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۲. کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای (آسیای مرکزی و قفقاز)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، (نویسنده مسئول).
۳. کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
m.m.esmaeli@ut.ac.ir
hosseinsahpouri@ut.ac.ir
m_shahyesteh@atu.ac.ir

مقدمه

دیپلماسی فرهنگی به عنوان یکی از نمودهای عملی دیپلماسی در راستای ایجاد همگرایی میان کشورها از اهمیت بالایی در دهه‌های اخیر برخوردار شده است. وقتی سخن از دیپلماسی فرهنگی به میان می‌آید در حقیقت شناسایی نقاط مشترک همکاری در عرصه‌های فرهنگی و تبادلات فرهنگی و هنری در راستای تحکیم و تثبیت روابط حسنه میان کشورها مدنظر قرار می‌گیرد (جعفریان و براریان، ۱۳۹۸). دیپلماسی فرهنگی در واقع تلاشی برای درک آگاهی مشترک و تأثیر بر افکار عمومی نهادها، سازمان‌ها و دولت‌های سایر کشورها به وجود آمده است (اژدری و همکاران، ۱۳۹۶). دیپلماسی فرهنگی ابزار و فرایندی است که دولت‌ها می‌توانند از طریق آن و با استفاده از ساختار مشترک فرهنگی بر افکار عمومی جامعه هدف تأثیرگذارند و نسبت به ترویج و اشاعه نمادهای فرهنگی خود همت گمارند (رحمانی، ۱۳۹۴).

دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با مناطق پیرامونی خود به‌ویژه آسیای مرکزی که دارای بیشترین اشتراکات فرهنگی، تاریخی و تمدنی است می‌تواند به عنوان بستر برای افزایش تحرکات این کشور در سطح منطقه‌ای و با ابزارهای فرهنگی در عمق ژئوکالچر خود شود. در میان جمهوری‌های آسیای مرکزی (قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و ترکمنستان) جمهوری تاجیکستان بیشترین قرابت فرهنگی را با ایران دارد و در حقیقت دیپلماسی فرهنگی ایران در این جمهوری استقلال یافته از اتحاد شوروی مبتنی بر تمدن و فرهنگ غنی ایران به‌ویژه مؤلفه مهم زبان فارسی، ظرفیت بالقوه‌ای را برای پیشبرد اهداف کشور در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم آورده است.

افزایش تأثیرگذاری عناصر هویت‌بخشی همچون زبان فارسی و تأکید تاجیکستان بر نژاد آریایی خود ضرورت بهره‌گیری از دیپلماسی فرهنگی را برای ایران باهدف افزایش عمق راهبردی کشور و تقویت همگرایی میان ایران و تاجیکستان دوجندان کرده است. همان‌طور که امام‌علی رحمان، رئیس‌جمهور تاجیکستان در پیامی تصویری به مناسبت روز ملی زبان دولتی در اکتبر ۲۰۲۴ این‌طور بیان می‌کند که «مسئله توجه و همکاری دولت نسبت به زبان دولتی و تحکیم مقام آن و گسترش بخشیدن و دایره استفاده زبان شیرین تاجیکی در سیاست دولت ما از آغاز صاحب استقلال تا امروز در اولین درجه است... ما خوشبختانه زبان ادبی و شیرین و شیوایی داریم که از روزگار سامانیان تا امروز اصالت خود را نگاه داشته است... در پاسداری زبان ملی و پایداری و بقای آن ادیبان عصر میانه، فرزندان ملت تاجیک سهم بزرگ تاریخی گذاشته‌اند؛ خصوصاً ابو عبدالله رودکی، فردوسی، ناصر خسرو،

ادیب صابرترمذی، نظامی، سنایی، عطار، مولانای بلخی، سعدی، حافظ، کمال، جامی، هلالی، صائب، بیدل، شاهین و صدها نفر دیگر برای ماندگاری زبان شیرین تاجیکی نقش برجسته بازیده‌اند.» (امامعلی رحمان، ۲۰۲۴)؛ نشان دهنده آن است که تمرکز بر جنبه‌های قدرت نرم برای ایران یکی از شاخص‌های سیاست خارجی اقتدارآمیز محسوب می‌شود و همان‌طور که اندیشمندان مطرح روابط بین‌الملل اشاره می‌کنند بهره‌گیری از قدرت نرم از هزینه‌های بسیار کمتری نسبت به وادارسازی حکمرانان کشورهای هدف برای ائتلاف و همکاری برخوردار است (Nye, 2008: 8-6).

باعنایت به حجم و تنوع اشتراکات فرهنگی میان ایران و تاجیکستان، روابط میان دو کشور همواره از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. تاجیکستان را به دلیل دارا بودن اشتراکات فراوان فرهنگی، زبانی، تمدنی و دینی می‌توان دروازه ورود ایران به منطقه آسیای مرکزی دانست. سفرهای متعدد مقامات عالی رتبه دو کشور در بازه سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ خورشیدی نشان از عزم جدی دو کشور برای توسعه روابط دوجانبه داشته که خواستار تعمیق روابط تهران و دوشنبه شده‌اند. تاجیکستان به عنوان یکی از کشورهای منطقه آسیای مرکزی نقش مهمی در سیاست خارجی ایران ایفا می‌کند و گسترش مراودات دیپلماتیک میان دو کشور برای طرفین همواره مهم بوده است. علاوه بر این آسیای مرکزی بزرگترین منطقه محصور در خشکی است که به دریای آزاد دسترسی ندارد و با دارا بودن جمعیت بیش از ۷۰ میلیون نفری و عدم دسترسی مناسب به بازار جهانی، بازار اغواکننده‌ای برای قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی است (عبدی، آمره و متقی: ۱۴۰۱). با توجه به مطالب گفته شده این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش است که فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی فرهنگی ایران در قبال تاجیکستان چیست؟ در پاسخ به این پرسش فرضیه‌ای که مطرح شده آن است که اشتراکات تاریخی و تمدنی ازجمله آداب و رسوم تاریخی و مشاهیر مشترک به‌ویژه زبان فارسی، اشتراکات دینی و مذهبی به عنوان فرصت و نقش بسترساز را برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و تاجیکستان فراهم کرده است و عدم اتخاذ رویکردی واقع‌گرایانه در بهره‌گیری از فرصت‌ها و غلبه رویکردهای امنیتی-سیاسی نسبت به رویکردهای فرهنگی و تاریخی و عدم هماهنگی و انسجام در دستگاه‌های متولی دیپلماسی فرهنگی و حضور قدرت‌های رقیب و متخاصم منافع ملی ایران در آسیای مرکزی به عنوان چالش‌های دیپلماسی فرهنگی این کشور در تاجیکستان است. این پژوهش دارای اهداف کاربردی است و از روش توصیفی-تحلیلی داده‌ها استفاده

شده است. همچنین جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق بررسی منابع و اسناد کتابخانه‌ای که در نشریات علمی و پژوهشی منتشر شده و همچنین مطالعه کتب و منابع مرتبط با این موضوع صورت گرفته است.

ادبیات پژوهش

نکته حائز اهمیت در پژوهش‌های صورت گرفته در مورد دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و تاجیکستان ضمن محدود بودن منابع و پژوهش‌های صورت گرفته در این موضوع، عدم اتخاذ نگاه کارکردگرایانه و واقع‌گرایانه و مختص به روابط ایران و تاجیکستان با مؤلفه‌های قدرت نرم و ژئوکالچر جمهوری اسلامی ایران است. به این صورت که بیشتر پژوهش‌های موجود، منافع ملی ایران در آسیای مرکزی و تاجیکستان را در حوزه مباحث امنیتی-سیاسی و بدون درک ملاحظات فرهنگی و تمدنی تعریف کرده‌اند.

مقاله «بررسی روابط ایران و تاجیکستان از منظر هیدروپلیتیک و ژئوکالچر» نوشته عطاالله عبدی، محمدآمره و افشین متقی (۱۴۰۱) روابط میان ایران و تاجیکستان را بر مبنای اهمیت منابع آبی و رودخانه‌های تاجیکستان بررسی کرده است. گرچه این مقاله اشاراتی به روابط فرهنگی و وابستگی‌های تاریخی مشترک دو کشور داشته است اما بیشتر بحث خود را به آسیب‌شناسی اقتصادی و سیاسی رابطه میان دو کشور اختصاص داده و حضور ایران در تاجیکستان را در قالب این دو عامل بررسی کرده و از دریچه مؤلفه‌های فرهنگی تنها خواستار تقویت پیوندهای فرهنگی دو کشور و کنارگذاشتن نگاه ایدئولوژیک به منطقه آسیای میانه شده است.

مقاله «روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان» نوشته محسن ملکیان (۱۳۹۱) بحث خود را با روابط میان ایران و تاجیکستان در عصر کمونیستی آغاز کرده و سپس نیز به عصر پسا کمونیستی پرداخته است. نویسنده مقاله در ادامه به مشابهت‌های فرهنگی میان دو کشور و حضور هیئت تاجیکستانی در جشنواره‌های فرهنگی و سینمایی همچون جشنواره فجر و سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته است. در ادامه نیز ضمن اشاره به روابط آموزشی و پژوهشی دو کشور همچون احداث کتابخانه‌های عمومی در تاجیکستان و تأسیس اتاق ایران در دانشگاه‌های تاجیکستان و اعطا بورس تحصیلی به دانشجویان دو کشور مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله گرچه روابط میان دو کشور را از جوانب مختلف مورد بررسی قرار داده است و پیشنهادهایی کلی را نیز برای تعمیق روابط فرهنگی دو کشور ارائه کرده است اما رابطه میان دو کشور را در

قالب جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل بررسی نکرده و از چارچوب نظری خاصی نیز استفاده نکرده است.

سلورزی زاده و بصیری (۱۴۰۱) در مقاله «تحلیل کارآمدی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای آسیای مرکزی؛ مطالعه موردی ترکمنستان و تاجیکستان» از منظر مدیریت فرهنگی به اهمیت ژئوکالچر آسیای مرکزی اشاره کرده و پس از شناسایی مؤلفه‌های پیشران دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه و با روش SWOT سناریوهای احتمالی دیپلماسی فرهنگی مطلوب ایران در ترکمنستان و تاجیکستان را مطرح کرده و در نتیجه‌گیری خود به ضرورت بهره‌گیری ایران از ظرفیت دولت تمدن‌محور در این دو کشور اشاره داشته است. این مقاله گرچه سعی کرده در شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار در دیپلماسی فرهنگی ایران با روش SWOT به‌خوبی عمل کند اما در نهایت به شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار در روابط فرهنگی ایران با کشورهای آسیای میانه نپرداخته است. ضمن اینکه این پژوهش به روابط فرهنگی میان ایران و تاجیکستان به‌طور خاص و تفصیلی نیز نپرداخته است. نوروزی و همکاران (۱۴۰۱) نیز در مقاله «نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال افغانستان و تاجیکستان (۱۳۸۴-۱۴۰۰)» به نقش تأثیرگذار مؤلفه زبان مشترک در تعمیق روابط ایران و تاجیکستان اشاره کرده و با رویکردی برگرفته از مفهوم دیپلماسی فرهنگی و عمومی و با نگاهی تاریخی در بازه سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۴۰۰ به بررسی چگونگی کنشگری نهادهای رسمی ایران در تحقق دیپلماسی فرهنگی این کشور در تاجیکستان و افغانستان پرداخته است. این پژوهش نیز با اینکه نکات مفیدی در تحقق دیپلماسی فرهنگی ایران با مؤلفه زبان فارسی ارائه می‌کند اما به دلیل تمرکز بر مؤلفه زبان فارسی از ارائه مجموعه مؤلفه‌های تأثیرگذار در تحقق دیپلماسی فرهنگی کارآمد جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان پرهیز کرده است.

احمدی (۱۳۹۷) نیز در مقاله «روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان: زنده کردن خط نیاکان و چالش سیاست» به اهمیت سیاست و نظریات سیاست قدرت در گسترش روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان با تأکید بر خط فارسی پرداخته است. این مقاله ضمن تأکید بر نظریات فرهنگی روابط بین‌الملل و نقش عوامل فرهنگی و ارزشی به عنوان متغیری مهم در سیاست خارجی، اما سیاست و امر سیاسی را در شکل‌گیری روابط گسترده میان کشورها به‌ویژه ایران و تاجیکستان مهم‌تر ارزیابی می‌کند. مقاله حاضر بیش‌ازحد به

متغیرهای سیاسی در تحقق روابط فرهنگی میان ایران و تاجیکستان تأکید می‌کند و به تعبیر خود از رهیافت‌های تمدنی و فرهنگی عبور کرده و به رهیافت‌های سیاسی در روابط بین دو کشور پرداخته است؛ این در حالی است که زبان و خط فارسی به عنوان موضوع اصلی این مقاله یک متغیر فرهنگی است و باید از منظر نظریات فرهنگی سیاست بین‌الملل به آن نگریسته شود. درضمن این مقاله نیز به ارائه تصویر کلان از چالش‌ها و فرصت‌های دیپلماسی فرهنگی ایران و تاجیکستان پرداخته است.

مومنی و مودب (۱۳۹۸) در مقاله «ظرفیت‌ها و مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان» به اهمیت قدرت نرم در مقابل قدرت سخت بعد از فروپاشی نظام دوقطبی و اتحاد شوروی اشاره می‌کند. نویسندگان این مقاله ضمن اشاره به مؤلفه‌های قدرت نرم، آن را نسبت به قدرت نظامی و مؤلفه‌های قدرت سخت دارای اهمیت بیشتری در پیشبرد منافع ملی شناسایی می‌کنند. در ادامه این مقاله به شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان پرداخته و به بررسی نقاط مشترک دو کشور ازجمله آداب‌ورسوم، زبان فارسی و مفاخر مشترک فرهنگی می‌پردازد. این مقاله نیز ضمن شناسایی فرصت‌های قدرت نرم ایران در تاجیکستان به چالش‌های احتمالی موجود میان روابط دو کشور اشاره نکرده و از ارائه پیشنهادها کاربردی برای بهره‌گیری از ظرفیت قدرت نرم کشور در تاجیکستان صرف‌نظر کرده است.

سیمبر و مقیمی (۱۳۹۴) در مقاله «منافع ملی و شاخص‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» به نقش فرهنگ و به خدمت گرفتن ابزارهای فرهنگی در دیپلماسی و مزایای آن اشاره می‌کنند. از نظر این مقاله مزایای دیپلماسی فرهنگی روبرو شدن با مقاومت کمتر در کشورهای هدف، عاری بودن دیپلماسی فرهنگی از رویکردی خصمانه در کنار جذابیت و حضور جدی‌تر بازیگران غیررسمی و اشخاص غیردولتی است. حق پناه و دیگران (۱۳۹۴) نیز در کتاب «قدرت نرم ایران در آسیای مرکزی و قفقاز» اوراسیا را صحنه بازی بزرگ و رقابت شدید میان قدرت‌ها تلقی می‌کنند و اعتقاد دارند که بسیاری از این قدرت‌ها برای تضمین منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت خود از قدرت نرم استفاده می‌کنند. در این بین ایران ظرفیت عظیمی در شکل‌دهی به قدرت نرم در آسیای مرکزی و قفقاز دارد اما به جایگاه مطلوب خود نرسیده است. این نوشته‌ها نیز علاوه بر اینکه از منظر دیپلماسی فرهنگی به موضوع پرداخته‌اند اما به جایگاه روابط فرهنگی میان ایران و تاجیکستان نیز به‌طور خاص اشاره نکرده‌اند.

باینکه این پژوهش به دنبال شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های دیپلماسی فرهنگی ایران در تاجیکستان است و تمرکز ویژه آن بر کارآمدی عملکرد دستگاه دیپلماسی فرهنگی ایران است اما ضرورت دارد اشاره‌ای گذرا به ادراک اندیشمندان، نخبگان و فرهنگیان تاجیک نیز به روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان داشته باشیم. پس از بررسی آثار ادبی و علمی نویسندگان تاجیک به مجموعه‌ای از نوشته‌ها برمی‌خوریم که به اهمیت پیوندهای تاریخی و فرهنگی ایران و تاجیکستان پرداخته‌اند که به بخشی از آن‌ها در متن این پژوهش اشاره نسبتاً مفصلی شده است. نکته حائز اهمیت آن است که در بررسی آثار نویسندگان تاجیک به نوعی سکوت ادبی و علمی در بازه سال‌های ۱۳۹۴ الی ۱۴۰۰ خورشیدی (۲۰۱۵-۲۰۲۱ میلادی) به دلیل سردی حاکم در روابط سیاسی دو کشور برمی‌خوریم که علاوه بر کاهش روابط سیاسی منجر به توقف کامل روابط فرهنگی دو کشور نیز شد؛ اما به‌طور کلی آثار متعددی در نوشته‌های اندیشمندان بزرگ تاجیک در پیوندهای تاریخی و فرهنگی ایران و تاجیکستان وجود دارد. تأکید بر مؤلفه زبان فارسی شاید اصلی‌ترین تغییری باشد که اندیشمندان ملی‌گرای تاجیک به آن اشاره کرده و تأکید بر ادبیات و مشاهیر مشترک، زبان فارسی را به عنوان فرصتی تأثیرگذار در روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان قلمداد کرده‌اند.

برای مثال کتاب «آشنایی با ترجمه‌های فارسی قرآن کریم در ایران و تاجیکستان» نوشته عبدالمنان نصرالدین خجندی که نویسنده در این اثر، علاوه بر بازنگری منتقدانه برترین ترجمه‌های قدیمی فارسی قرآن کریم، از دوره ساسانیان به بعد، سی ترجمه‌ی فارسی قرآن از معاصران ایرانی را معرفی کرده و علاوه بر آن، به ترجمه‌های مربوط به برخی تفاسیر کهن نیز اشاره نموده است. در خصوص اهمیت زبان فارسی نیز نویسندگان تاجیک به‌خوبی به تبیین این مسئله پرداخته‌اند. برای مثال کتاب «جُستارها درباره زبان، ادب و فرهنگ تاجیکستان»، نوشته محمدجان شکوروف که از اساتید فرهنگستان‌های علوم و زبان و ادبیات فارسی تاجیکستان است در مورد نگاه عمومی به ادبیات تاجیکی سده بیستم صحبت کرده و در مورد سرنوشت زبان فارسی-تاجیکی ماوراءالنهر در سده بیستم، از معارف‌پروری تا چنگیزپرستی و تأثیر صدرالدین عینی تحت عنوان روشن‌گر بزرگ تاجیک نکاتی را مطرح کرده است.

یکی از مهم‌ترین آثار مربوط به روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان در نوشته‌های اندیشمندان تاجیک در آکادمی علوم تاجیکستان و به همت صفر سلیمانی، رئیس بنیاد ایران‌شناسی صورت گرفته است. سلیمانی (۱۳۸۸) در مقاله «ایران‌شناسی

در تاجیکستان» اشاره‌ای به سیر تاریخی مطالعات شرق‌شناسی و ایران‌شناسی در تاجیکستان داشته و در ادامه به معرفی مراکز تحقیق و پژوهش در خصوص تاریخ و فرهنگ ایرانی و آموزش زبان فارسی در تاجیکستان پرداخته است. سلیمانی در این مقاله به آثار صدرالدین عینی، باباجان غفوراف و عبدالغنی میرزایف اشاره کرده که نقش مؤثری در تعمیق مطالعات ایران‌شناسی در تاجیکستان داشته‌اند. البته در این مقاله و به‌طور کلی آثار نامبرده به موضوع دیپلماسی فرهنگی ایران و تاجیکستان اشاره نشده که همین موضوع کمبود جدی در مطالعات دانشگاهی تاجیکستان را نشان می‌دهد.

با توجه به بررسی ادبیات این حوزه در آثار نویسندگان ایرانی و تاجیکی مشاهده می‌شود که موضوع دیپلماسی فرهنگی بسیار مورد تأکید قرار گرفته اما نقش اکثر مؤلفه‌های تأثیرگذار فرهنگی به‌ویژه زبان و ادبیات فارسی در تعمیق و گسترش دیپلماسی فرهنگی جمهوری ایران و تاجیکستان مورد بررسی عمیق قرار نگرفته است. علاوه بر این در آثار موجود به شناسایی چالش‌هایی که منجر به کاهش اثرگذاری دیپلماسی فرهنگی ایران در تاجیکستان می‌شود نیز اشاره جامعی نشده است؛ بنابراین تفاوت ویژه این پژوهش با آثار اشاره شده آن است که این مقاله درصدد شناسایی مجموعه نسبتاً کاملی از چالش‌ها و فرصت‌های دیپلماسی فرهنگی میان ایران و تاجیکستان است که تاکنون در یک اثر مستقل به آن اشاره نشده است.

چارچوب نظری: رویکرد سازه‌انگاری بر بستر ژئوکالچر

با شکل‌گیری روندهای جدید نظام بین‌المللی به‌ویژه بعد از فروپاشی نظام دوقطبی و ورود به عرصه دوران گذار نظام بین‌المللی، شاهد افزایش تأثیر قدرت نرم بر فرآیند تصمیم‌سازی سیاست خارجی کشورها بوده‌ایم. قدرت نرم برای اولین بار توسط ژوزف نای^۱ در کتاب الزام برای رهبری در سال ۱۹۹۰ مطرح شد (مینگ، ۱۳۹۰: ۲۹). نای در خلق مفهوم قدرت نرم به دنبال آن بود که دنیا چگونه به ما می‌نگرد نه اینکه ما به دنیا چگونه نگاه می‌کنیم (نای، ۱۳۸۷: ۴۶)؛ بنابراین قدرت نرم نشان‌دهنده شکل جدیدی از قدرت‌سازی مبتنی بر عناصر فرهنگی یک کشور مانند زبان و ارزش‌های هنجاری برای نفوذ و پیگیری منافع ملی آن کشور در مناطق و کشورهای دیگر است. دیپلماسی فرهنگی نیز الگویی برای اعمال قدرت نرم است و به کشورها کمک می‌کند از طریق استفاده از عناصری مثل فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی به تعامل و همکاری با

کشورهای دیگر پردازند. دیپلماسی فرهنگی عبارت است از مبادله ایده‌ها، اطلاعات، هنر، سبک زندگی، نظام ارزشی، سنت‌ها و اعتقادات برای دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل میان ملت‌ها و کشورها (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۸۹: ۵۹). به تعبیر دیگر دیپلماسی فرهنگی تلاشی است برای درک آگاهی مشترک و تأثیر بر افکار عمومی نهادها، سازمان‌ها و دولت‌های سایر کشورها (اژدری و همکاران، ۱۳۹۶). دیپلماسی فرهنگی نیز همانند دیپلماسی رسمی راه و روش و ابزاری برای تضمین و تأمین منافع ملی در عرصه سیاست خارجی است؛ با این تفاوت که آثار دیپلماسی فرهنگی بر باورها، اعتقادات و اذهان مردم اثر می‌گذارد و از ماندگاری بیشتری در نسبت با دیپلماسی کلاسیک برخوردار است (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۶: ۶-۴). همان‌طور که ژوزف نای تأکید می‌کند کاربرد عناصر سخت‌افزاری قدرت در دیپلماسی کلاسیک بسیار زیاد است اما در دیپلماسی فرهنگی بیشتر بر جنبه‌های نرم‌افزاری قدرت برای تأثیرگذاری بر مخاطبان تأکید می‌شود (Nye, 2010: 2). دقیقاً به همین دلیل است که دیپلماسی فرهنگی موضوع اصلی پژوهش حاضر در بررسی روابط ایران و تاجیکستان قرار گرفته است. این دو کشور با لحاظ رویکرد تمدنی دارای اشتراکات فراوان فرهنگی و آداب و رسوم مشترک و زبان مشترک هستند که می‌تواند به عنوان فرصت و بستر مناسب به منظور اشاعه فرهنگ ایرانی در راستای همکاری میان دو کشور استفاده شود.

سازهانگاری^۱

سازهانگاری بیشتر با نام الکساندر ونت^۲ از صاحب‌نظران مشهور روابط بین‌الملل عجین شده است. در نظر ونت توسعه بین‌المللی در کنار دیگر عوامل از ارزش‌ها و باورهای مشترک نیز متأثر است. از نظر سازهانگاری امور مشترک همچون فرهنگ، ارزش، زبان و ادبیات نقش بسیار مهمی در ایجاد وحدت و همگرایی اجتماعی دارند و منافع مشترک را ایجاد می‌کنند. فروپاشی اتحاد شوروی و پایان نظام دوقطبی موجب تضعیف نظریات سنتی و کلاسیک روابط بین‌الملل و تقویت نظریه‌های فرهنگی و سازهانگاره شد. در رویکرد سازهانگاری در روابط بین‌الملل تلاش می‌شود عناصر فرهنگی در سیاست و جامعه داخلی که با هویت و رفتار دولت در سیاست جهانی ارتباط پیدا می‌کند مورد بررسی قرار گیرند (عبداله خانی، ۱۳۹۰). پیتز برگر^۳ و توماس

لاکمن^۱ در دهه ۷۰ میلادی نظریه سازه‌انگاری را که ریشه‌های آن به مکتب شیکاگو و پدیدارشناسی بازمی‌گردد با تألیف کتاب ساخت رویکرد اجتماعی واقعیت: رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت ارائه کردند (آدمی و نوری، ۱۳۹۲). با نگاهی موشکافانه به نظریات موجود در روابط بین‌الملل و تحلیل سیاست خارجی می‌توان سازه‌انگاری را دارای ارتباط بیشتری برای تبیین دیپلماسی فرهنگی کشورها به‌ویژه موضوع موردنظر در این پژوهش اختصاص داد. بر اساس این فراتر، رفتار سیاست خارجی کشورها ناشی از تصورات بین‌الذهانی و اشتراکات بین‌الذهانی میان ملت‌هاست که این تصورات خود را در قالب رفتارهای ملی بروز داده و در نهایت منافع ملی را رقم می‌زند. به‌طور کلی رهیافت‌های پسااثبات‌گرا مانند سازه‌انگاری به نقش فرهنگ به عنوان یک متغیر مؤثر در تبیین و توضیح تحولات بین‌المللی وزن بیشتری داده است.

اولین گزاره هستی‌شناسانه سازه‌انگاری بر این مورد تأکید دارد که ساختارهای هنجاری و فکری هم به میزان ساختارهای مادی دارای اهمیت است؛ زیرا این نظام‌های معنا دار هستند که تعریف می‌کنند کنشگران چگونه باید محیط مادی خود را تفسیر کنند. دومین گزاره این رویکرد آن است که هویت‌ها عامل اصلی شکل‌دهی به منافع و کنش‌ها هستند. فهم اینکه منافع چگونه شکل می‌گیرد نقطه مرکزی طیف وسیعی از پدیده‌های بین‌المللی را تبیین می‌کنند. سومین گزاره موردنظر این رویکرد آن است که کارگزاران و ساختارها دارای روابط متقابل هستند. به نظر سازه‌انگاران ساختارها در اصل مادی نیستند بلکه بر اساس تصور و خیال‌اندیشی بنا شده‌اند که شامل هنجارها، باورها، رویه‌ها و عادات مشترک هستند اما از پیامد مادی برخوردارند. به دیگر سخن سیاست هویت برای هویت در داخل و منافع و رفتارهای دولت در خارج، امکانات و محدودیت‌هایی را فراهم می‌آورد که دولت نیازمند است تا از طریق تقویت نوعی از هویت ملی در داخل برای مشروعیت بخشیدن به اقتدار استخراجی از آن هویت در خارج استفاده کند (ونت، ۱۳۸۵: ۲۵۸-۲۴۸).

به اعتقاد سازه‌انگاران کنش‌ها و رفتارهای سیاسی هر فرد و جامعه بر اساس هویت و فرهنگ آن جامعه شکل می‌گیرد. این ارتباط سبب شد رابطه میان فرهنگ و حوزه‌های مختلف از جمله قدرت و سیاست در سطح بین‌المللی نیز به گونه‌ای بروز و ظهور پیدا کرده و در روابط بین‌الملل و سیاست بین‌الملل موردنظر قرار گیرد (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۲۶۳). با توجه به موارد گفته‌شده در قالب نظریه سازه‌انگاری می‌توان این‌طور اشاره کرد که فرهنگ

ابزارهایی را برای دولت و سیاست مهیا می‌کند مانند تاریخ فرهنگی، زبان، آداب و رسوم مشترک و... که از طریق این ابزارهای فرهنگی با تأکید بر آداب و رسوم مشترک و زبان فارسی و تاریخ فرهنگی مشترک میان ایران و تاجیکستان امکان بر ساخت منافع مشترک و نزدیکی طرفین به‌ویژه در سطح افکار عمومی فراهم می‌شود.

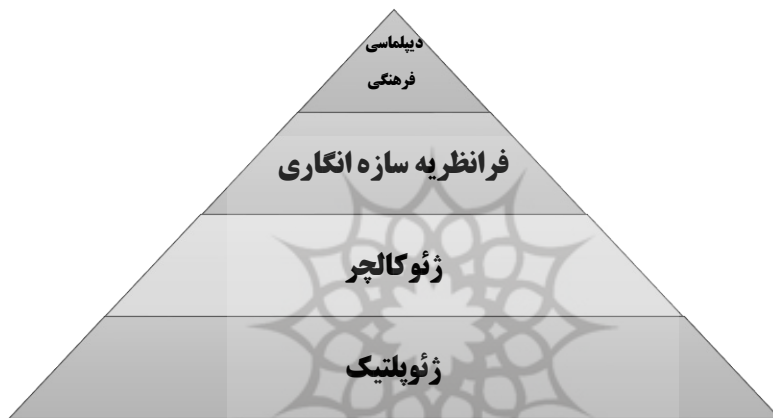
ژئوکالچر^۱

ژئوکالچر در واقع یکی از مؤلفه‌های ژئوپلیتیک است و از دو کلمه «ژئو» به معنای زمین و «کالچر» به معنای فرهنگ تشکیل شده است. ژئوکالچر به دنبال بررسی و فهم رابطه متقابل جغرافیا، سیاست و فرهنگ است. ژئوکالچر بر این پیش فرض متکی است که فرهنگ نیز همچون دیگر پدیده‌های اجتماعی در بستر زمان و مکان در حال شکل‌گیری، جابجایی، تغییرات و آمیزش است. «به عبارتی دیگر ژئوکالچر به معنای استفاده از عناصر فرهنگی در راستای ایجاد امکان مکان بازی، برای بازیگران قدرت می‌باشد. از این منظر می‌توان ژئوکالچر را استفاده از فرهنگ و فرآورده‌های فرهنگی در راستای کسب قدرت، ایجاد حوزه نفوذ و حفاظت از حوزه نفوذ تعریف کرد.» (رضایی و جان محمدی، ۱۴۰۳).

مفهوم ژئوکالچر ذیل مفهوم بزرگتری به نام ژئوپلیتیک تعریف می‌شود. در حقیقت مفهوم ژئوکالچر را باید ناظر به فروپاشی اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد و پیامدهای نظری آن تحلیل و بررسی کرد. ژئوکالچر به دنبال ارتباط میان جغرافیا، فرهنگ و فضا و قدرت است و درصدد کشف دخالت عناصر گفتمانی و فرهنگی و ارتباط آن با زمین است (رحمتی و دیگران، ۱۳۹۹). مباحث مربوط به ژئوکالچر سبب شکل‌گیری اثرگذاری تفاوت‌ها و اشتراکات تمدنی و فرهنگی بر ایجاد سیاست جهانی در رقابت‌های جدید قدرت شده است (مجتهدزاده، ۱۳۹۰: ۱۴۳-۱۴۲). آن‌طور که در معرفی نظریه سازه‌انگاری مطرح شد فرهنگ و هویت در سیاست ملی و بین‌المللی نقش مؤثری بازی می‌کند و در واقع نقش‌آفرینی فرهنگ در روابط میان افراد شامل الگوهای جنگ و عداوت یا صلح و دوستی بین آن‌ها است (حافظ نیا، ۱۳۹۶: ۱۰۶).

آن چیزی که این پژوهش به دنبال آن است تبیین دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان از منظر سازه‌انگاری و در بستر ژئوکالچر است. بر اساس تعاریف گفته‌شده در سازه‌انگاری و تعاریف مربوط به ژئوکالچر، مشارکت تجاری و یا مشارکت کشورها در سطوح راهبردی نیازمند گسترش هنجارهای مشترک یا حداقل تفاهم مشترک پیرامون اشتراکات موجود فرهنگی است. در واقع سازه‌انگاری بر بستر

مفروضات ژئوپلیتیک از عوامل انگاره‌ای و بیناذهنی با تأکید بر فرهنگ و هویت به عنوان عوامل همگرایی میان کشورهای یک منطقه مشترک تأکید می‌کند (Acharya, 2016: 120). آنچه در این مدل مطرح است بر ساخته شدن اجتماعی گفتمان و زبان و فرهنگ و انگاره‌ها و به‌طور کلی ساختارهای معنایی و بیناذهنی است که در بستر ژئوکالچر مشترک بین ایران و تاجیکستان مبتنی بر مفروضات اصلی سازه‌انگاری در خصوص حس تعلق داشتن به یک هویت منطقه‌ای مشترک و سهیم بودن در ارزش‌ها و منافع آن اهمیت فراوانی پیدا می‌کند.



شکل ۱. مدل نظری دپلماسی فرهنگی ایران و تاجیکستان

با توجه به شکل بالا، اتخاذ صرف رویکرد سازه‌انگاری در تحلیل دپلماسی فرهنگی باعث می‌شود تا روابط میان ایران و تاجیکستان تنها در چارچوب رشته روابط بین‌الملل و مبادلات سیاسی و اقتصادی دو کشور بررسی شود و رویکرد ژئوکالچرال نیز تنها به بعد فرهنگی روابط دو کشور در بستر جغرافیا می‌پردازد و نهایتاً نیز به ارائه پیشنهادهای آرمانی و غیرواقعی منجر می‌شود و از نقش روابط سیاسی میان دو کشور غفلت می‌شود؛ اما این پژوهش به دنبال آن است تا با ترکیبی از رویکرد سازه‌انگارانه در مطالعه روابط بین‌الملل و رویکرد ژئوکالچرال در حوزه جغرافیای سیاسی دیدگاهی کلان اتخاذ کرده تا نسبت به تبیین چالش‌ها و فرصت‌های دپلماسی فرهنگی ایران و تاجیکستان تحلیل دقیق‌تری ارائه شود.

نگاهی به اهمیت ژئوپلیتیک و ژئوکالچر منطقه آسیای مرکزی نوین

منطقه آسیای مرکزی حدود ۷۰ میلیون نفر جمعیت دارد. ازبکستان با بیش از ۳۰ میلیون نفر، قزاقستان با حدود ۱۸ میلیون نفر، تاجیکستان با بیش از ۹ میلیون نفر، قرقیزستان

با ۶ میلیون نفر و ترکمنستان با ۵ میلیون نفر، جمعیت این منطقه را شکل داده است. اکنون بیش از سه دهه از فروپاشی شوروی و استقلال کشورهای آسیای مرکزی می‌گذرد. تغییر نسل در آسیای مرکزی و ظهور نسل جوان و گسترش طبقه متوسط در کشورهای آسیای مرکزی، تحول اجتماعی بسیار مهم با پیامدهای اقتصادی و سیاسی شایان توجهی را به دنبال داشته است. جدای از اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک آسیای مرکزی اما آن چیزی که موضوع اصلی پژوهش حاضر است تحولات مهم دهه‌های اخیر است که موجب شده تا موضوع فرهنگ در روابط میان کشورها از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار شود. روابط فرهنگی ایران و آسیای مرکزی از دوران باستان و امپراطوری هخامنشی شروع می‌شود به‌طوری‌که این روابط در عهد اشکانی و ساسانی مستحکم‌تر شده و در عصر تمدن اسلامی به اوج خود می‌رسد. اهمیت روابط فرهنگی ایران و آسیای مرکزی را باید در حضور دانشمندان بزرگی همچون ابن‌سینا، فارابی، ابوریحان بیرونی و شاعرانی مثل رودکی و بلخی مشاهده کرد. پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد جمعیت آسیای مرکزی تا سال ۲۰۵۰ به ۹۵ میلیون نفر برسد. این روند رشد جمعیت نشان‌دهنده آن است که نزدیک به یک‌سوم جمعیت آسیای مرکزی از افراد زیر پانزده سال تشکیل شده و تنها ۳ تا ۷ درصد از جمعیت آسیای مرکزی را افراد بالای شصت و پنج سال تشکیل می‌دهد؛ بنابراین، هرم سنی آسیای مرکزی به نسبت بیست سال گذشته از جوانی بیشتری برخوردار شده است (کوزه‌گر کالچی، ۱۴۰۰). شرایط جمعیتی آسیای مرکزی نشان می‌دهد که بیش از پنجاه درصد مردم این منطقه هیچ درک و خاطره مستقیمی از دوران تسلط کمونیسم ندارند و به همین نسبت مردم تاجیکستان نیز از شرایط سخت دوران استقلال و جنگ داخلی این کشور نیز فاصله زیادی گرفته‌اند. بااینکه به اعتقاد برخی از اندیشمندان مانند کاتلین کالینزا^۱ در کتاب سیاست طایفه‌ای و گذار در آسیای مرکزی، شکل‌گیری روندهای سیاسی در منطقه آسیای مرکزی تابع ملاحظات قبیله‌ای بوده است اما در چند دهه اخیر به دلیل فراگیری فضای مجازی و استفاده از ابزارهای نوین ارتباطی، شاهد گذار این منطقه از سیاست‌های طایفه‌ای به روندهای سیاسی مدرن هستیم. باوجود پیوند عمیق تاریخی میان ایران و آسیای مرکزی اما نظام فکری و فرهنگی مردم این منطقه به دلیل تحولات تاریخی ناشی از حاکمیت کمونیستی شوروی در قرن بیستم با انقطاع تاریخی مواجه شد اما بنیان‌های اصلی فرهنگی خود را حفظ کرد به‌طوری‌که پس

از فروپاشی اتحاد شوروی، کشورهای تازه استقلال یافته منطقه آسیای مرکزی از جمله جمهوری تاجیکستان سعی کردند به هویت تاریخی و فرهنگی خود بازگردند. اگر از زاویه ژئوپلیتیک به اهمیت منطقه آسیای مرکزی نگاه کنیم این منطقه در واقع بخشی از هارتلند^۱ اوراسیا^۲ است و منابع فراوان انرژی موجود در کشورهای قزاقستان، ترکمنستان و تا حدودی ازبکستان و منابع فراوان آبی در جمهوری‌های تاجیکستان و قرقیزستان رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به دنبال داشته است. اندیشمندان مطرحی چون هالفورد مکیندر در کتاب خود در سال ۱۹۴۲ اوراسیا را به عنوان هارتلند جهان تصور کرده که هر که توانایی نفوذ و اداره آن را داشته باشد به کل جهان هژمونی پیدا می‌کند (Mackinder, 1942: 190). همچنین مکیندر معتقد است منطقه اوراسیای مرکزی که آسیای مرکزی بخشی از آن است برای زمان‌های طولانی محور جغرافیایی تاریخ بوده و به عنوان محور سیاست جهان نیز در آینده باقی خواهد ماند (Mackinder, 1904: 437-430). برژینسکی نیز به اهمیت این منطقه به عنوان بالکان اوراسیایی اشاره کرده و آن را فضای ژئوپلیتیکی مهمی می‌داند که نفوذ در آن برای هر قدرتی باید دارای اهمیت باشد (برژینسکی: ۱۳۹۷). به لحاظ ژئوپلیتیک به قدری منطقه آسیای مرکزی دارای اهمیت است که از مهم‌ترین اهداف ایالات متحده آمریکا در طول جنگ سرد جلوگیری از برآمدن یک قدرت منطقه‌ای و مسلط بر هارتلند جزیره جهانی است که همواره مورد تأکید استراتژیست‌های بزرگ آمریکایی از کیسینجر تا برژینسکی بوده است (رئیس‌ی نژاد، ۱۴۰۱: ۱۰۳).

بنابراین منطقه آسیای مرکزی در مقایسه با سه دهه گذشته، تفاوت‌های چشمگیری را در حوزه‌های مختلف تجربه کرده است و لذا نمی‌توان با عینک گذشته و مبتنی بر برداشت‌های سنتی به تحولات این منطقه نگریست. تحولات جدید به روشنی گویای این واقعیت است که منطقه آسیای مرکزی پس از گذشت نزدیک به سه دهه پس از فروپاشی شوروی از التهاب‌ها و وضعیت شکننده و ناپایدار سال‌های ابتدایی استقلال خارج شده است، حاکمیت این کشورها از تجربه حکمرانی و بلوغ سیاسی بیشتری برخوردار شده، زیرساخت‌های اقتصادی، خطوط انتقال انرژی و کریدورهای ارتباطی که تا دو دهه قبل کاملاً به روسیه وابسته بود از تنوع جغرافیایی و اقتصادی بیشتری برخوردار شده است که این امر استقلال عمل بیشتر کشورهای منطقه را از روسیه به ویژه در بعد اقتصادی به دنبال داشته است؛ بنابراین اشتباه بسیار بزرگی خواهد

که سیاستگذار ایرانی بخواهد با همان نگاه گذشته به منطقه آسیای مرکزی بنگرد. در این واقعیت تردیدی نیست که منطقه آسیای مرکزی به عنوان یکی از مناطق پیرامونی ایران از ظرفیت‌های بسیار ارزشمند و شایان توجهی برخوردار است که در سیاست همسایگی ایران باید به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد. مجاورت جغرافیایی و نزدیکی ایران با این منطقه، مجاورت منطقه آسیای مرکزی با دو قدرت بزرگ چین، روسیه و نیز افغانستان، عضویت قزاقستان و قرقیزستان در اتحادیه اقتصادی اوراسیا، واقع شدن آسیای مرکزی در طرح کلان یک کمربند- یکراه چین، ارتباط و همسایگی دریایی ایران با قزاقستان و ترکمنستان در دریای خزر، عضویت همه پنج کشور آسیای مرکزی در سازمان همکاری اقتصادی (اگو) و ارتباط ریلی ایران با منطقه آسیای مرکزی (راه آهن شرق دریای خزر از طریق قزاقستان- ترکمنستان- ایران) از جمله ظرفیت‌های بسیار شایان توجه برای همکاری‌های اقتصادی و تجاری ایران با منطقه آسیای مرکزی است (کوزه گرکالجی، ۱۴۰۰)

سیر روابط ژئوکالچرال ایران و تاجیکستان

روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان در عصر شوروی

روابط ایران و تاجیکستان ریشه در تاریخ منطقه آسیای مرکزی دارد که با فروپاشی شوروی شرایط مطلوبی برای احیای روابط تاریخی ایجاد شد. ایران در سال‌های پایانی حکومت اتحاد شوروی تلاش کرد تا حضور و نفوذ خود در تاجیکستان را افزایش دهد (کولایی، ۱۳۷۶: ۱۴۱). با وجود عدم ارتباط مستقیم میان مردم ایران و تاجیکستان در دوران حاکمیت اتحاد شوروی اما پیوندهای تاریخی میان دو ملت و تعلق سرزمینی هر دو کشور به ایران بزرگ باعث شد که از نظر فرهنگی و معنوی همگرایی و نزدیکی زیادی میان دو کشور وجود داشته باشد (ملکیان، ۱۳۹۱). نظام برنامه‌ریزی متمرکز اتحاد شوروی در حوزه فرهنگی نیز به تحمیل الگوهای کمونیسم روسی به‌ویژه در حوزه زبان اقدام می‌کرد. به این صورت که در سال ۱۹۳۴ الفبای این منطقه به سیریلیک و لاتین تبدیل شد و در سال ۱۹۴۰ به سیریلیک روسی تغییر پیدا کرد. با وجود این اقدامات در حوزه تغییر فرهنگ مردم تاجیکستان اما هیچ‌گاه ارتباط و پیوندهای تاریخی این ملت با گذشته دیرینه خود قطع نشد و حتی در این دوره نیز شاعران مهم ایرانی مانند سیاوش کسرای، هوشنگ ابتهاج و نادر نادرپور از نفوذ خوبی میان مردم تاجیک برخوردار بودند. مجموعه‌ای از ۹۱ نامه و تلگراف مختلف میان صدرالدین عینی شاعر معروف تاجیک و ابوالقاسم لاهوتی شاعر ایرانی، روزنامه‌نگار و فعال سیاسی که به شوروی فرار کرده

بود، بیانگر دغدغه‌های این دو متفکر در مورد زبان فارسی و پیوند میان نخبگان فرهنگی دو کشور است که حتی در میان فشارهای سیاسی و فرهنگی نیز به دنبال حفظ هویت مشترک و زبان فارسی بودند. موضوع نامه‌ها بیشتر مسائل ادبی و فرهنگی است؛ جز اینکه سبک انشای نامه‌ها آموزنده و با الفبای فارسی یا به گفته تاجیکان «خط نیاکان» نوشته شده که با خواندن آن‌ها وضعیت سیاسی شوروی و شرایط جامعه تاجیکستان و فضای فرهنگی حاکم بر آن زمان را نیز بهتر می‌توان شناخت. در متن این نامه‌ها به حیات ادبی، وضعیت فرهنگی، مسائل تاریخ ادبیات، حفظ زبان از کاستی‌ها، روابط علمی و ادبی، موضوعات لغت‌نگاری، اصطلاحات آفرینی، آشنایی از تألیفات یکدیگر و ذکر شخصیت‌های مطرح فرهنگی اشاره شده است.

در این دوره نقش ویژه ابوالقاسم لاهوتی شاعر معروف ایرانی که در زمستان ۱۳۰۰ شمسی به اتحاد شوروی فرار کرد حائز اهمیت است. لاهوتی در نظر مردم آسیای مرکزی به‌ویژه تاجیک‌ها از هویت ویژه‌ای برخوردار است و بسیاری از اندیشمندان تاجیکستان وی را در تحکیم دولت‌سازی تاجیکستان بسیار مؤثر قلمداد می‌کنند. اهمیت ابوالقاسم لاهوتی تا به آنجاست که نخستین تئاتر تاجیکستان در شهر دوشنبه به نام او تأسیس شد و بزرگ‌ترین کتابخانه شهری در این کشور نیز به نام لاهوتی بنیان گذاشته شده است. محسن فرح‌بر در کتاب نامه‌های ابوالقاسم لاهوتی و صدرالدین عینی از تجربه سفر خود به تاجیکستان نوشته و از این نکته یاد می‌کند که تأثیر ابوالقاسم لاهوتی نه تنها در شهرهای بزرگ تاجیکستان بلکه در مکان‌های دور افتاده این کشور از جمله در خجند، استروشن، پنج‌رود و روستاهای کولاب و باختر، کانی‌بادام، اسفهره و واروخ دارای چهره بسیار شناخته شده‌ای است. به گفته بسیاری از اندیشمندان ایرانی ابوالقاسم لاهوتی نقش بسیار مهمی در ایجاد حلقه پیوند فرهنگی میان اتحاد شوروی، تاجیکستان و ایران بازی کرده است. در این میان می‌توان به مقاله سعید نفیسی اشاره کرد که در نشریه پیام نو در سال ۱۹۴۶ میلادی منتشر شده و بیان می‌کند با اینکه لاهوتی سال‌ها از زبان مادری و ایران دور بوده است اما نمونه بسیار خوبی از درست‌نویسی خط‌نیاکان را برای تاجیکان ایجاد کرده است (فرح‌بر، ۱۴۰۳: ۹-۱۲).

علاوه بر این تاجیک‌ها همواره علاقه خاصی به شعر و ادبیات فارسی داشتند. برای مثال اشعار سعید نفیسی، ایرج میرزا، ملک الشعرای بهار، رهی معیری، سیمین بهبهانی و نادر نادرپور در میان مردم تاجیک رواج فراوانی داشته است. تاجیک‌ها در دوران اتحاد شوروی با داستان‌های کوتاه محمدعلی جمال‌زاده، صادق چوبک، بزرگ علوی و دولت‌آبادی هم آشنایی خوبی داشتند و به‌طور کلی می‌توان چنین نتیجه‌گیری

کرد که شعر و ادبیات فارسی ایرانی در دوره اتحاد شوروی بن‌مایه ارتباط فرهنگی میان مردم تاجیک و ایران را حفظ کرده بود. باینکه در زمان حاکمیت اتحاد شوروی، مقامات مسکو سعی می‌کردند در نظام برنامه‌ریزی متمرکز روسی، پیوند مردم آسیای مرکزی با پیشینه خود را قطع کنند؛ اما بن‌مایه‌های فرهنگی گفته شده سبب شد در این زمان نیز اندیشمندان تاجیک روابط فرهنگی خود با ایران را حفظ نمایند. به همین دلیل در دهه ۴۰ خورشیدی شاهد برگزاری کنفرانس زبان فارسی در تاجیکستان هستیم که اساتیدی چون نجف دریابندری، منوچهر بزرگمهر، احمد آرام و پرویز ناتل خانلری از ایران نیز در این کنفرانس حضور پیدا می‌کنند. تقریباً از بعد از سال‌های ۱۹۶۰ میلادی روند بیداری هویت ملی تاجیک در اتحاد شوروی آغاز شد و مردم این منطقه به مسئله زبان و فرهنگ ملی و احیای سنت‌ها و ارزش‌های تاریخی خود روی آوردند؛ بنابراین علی‌رغم وجود محدودیت‌های فرهنگی در این دوره اما ادبیات و فرهنگ تاجیکی منبعث شده از فرهنگ فارسی ایرانی همواره در این منطقه رواج فراوانی داشته است و به همین دلیل می‌توان این‌طور ادعا کرد که در دوران اتحاد شوروی نیز که روابط میان ایران و تاجیکستان با یک انقطاع تاریخی مواجه شده است اما لایه‌های میانی فرهنگی و نخبگانی به‌ویژه در حوزه ارتباطات ادبی و شعر فارسی همواره سبب حفظ این پیوند تاریخی شده است.

روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان پس از استقلال

اصلی‌ترین متغیر روابط میان ایران و تاجیکستان مؤلفه‌های فرهنگی است. تاریخ مشترک، آداب و رسوم و سنت‌های مشترک، زبان و میراث مشترک میان دو کشور از یک آشخور قوی فرهنگی تغذیه می‌شود. پس از استقلال تاجیکستان مردم این کشور خواهان برقراری ارتباط با فارسی‌زبانان به‌ویژه ایران بودند چراکه تاجیکان و نخبگان این کشور همواره به ایران به عنوان گرانیگاه فرهنگی ملت خود نگاه می‌کردند. فرهنگ مشترک دو کشور باعث شد که روشنفکران تاجیکی ایران را کشور دوم خود بدانند و خواستار برقراری اولین ارتباطات سیاسی و فرهنگی با ایران باشند. به همین دلیل ایران نخستین کشوری بود که استقلال تاجیکستان را به رسمیت شناخت و سفارتخانه خود را در این کشور تأسیس کرد. سفر علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه ایران به دوشنبه و در ادامه نیز سفر رحمان نبی‌اف رئیس‌جمهور تاجیکستان به تهران سطح روابط دو کشور را افزایش داد. با گسترش میل مردم تاجیکستان به الفبای فارسی که تاجیک‌ها به آن «خط نیاکان» می‌گفتند، روابط فرهنگی دو کشور نیز آغاز شد. ایران با

راهاندازی همایش‌های مشترک ادبی در شهرهایی چون شیراز و اصفهان تلاش کرد تا روابط فرهنگی دو کشور را عمیق کند. با آغاز جنگ داخلی تاجیکستان در سال ۱۹۹۲ اوضاع این کشور نابسامان شد. جنگ داخلی در پی اعتراض احزاب غیر کمونیست و اپوزیسیون همچون حزب دموکراتیک و حزب نهضت اسلامی تاجیکستان به دولت رحمان نبی‌اف آغاز شد.

تلاش ایران و روسیه برای برقراری صلح میان طرفین نهایتاً منجر به آتش‌بس شد. گرچه در ۲۳ ژوئن سال ۱۹۹۷ در مسکو دو طرف توافق نهایی را امضا کردند اما ایران نیز نقش اساسی را در سوق دادن طرفین درگیری به توافقنامه نهایی داشت. «با توجه به نفوذ ایران بر حزب نهضت اسلامی از یک سو و اعتماد دولت به این تلاش‌ها از سوی دیگر، ایران سهم بیشتری در به فرجام رساندن این صلح داشته است. اصولاً از مجموع هشت دور مذاکرات صلح میان طرفین درگیر، پنج نشست آن در تهران بر پا شد و تهیه تفاهم‌نامه مربوط به مصالحه ملی و امضای آن از سوی وزیر خارجه تاجیکستان و قاضی اکبر تورجان زاده، قائم‌مقام حزب نهضت اسلامی تاجیکستان به ترتیب در ۸ آوریل و ۲۸ مه ۱۹۹۷ در تهران صورت گرفت.» (احمدی، ۱۳۸۷). با وجود جنگ داخلی در تاجیکستان اما سیر و روند صعودی همکاری‌های فرهنگی ایران و تاجیکستان ادامه داشت.

دولت وقت ایران که نقش مهمی در انعقاد توافق میان عبدالله نوری، رهبر حزب نهضت اسلامی تاجیکستان و امامعلی رحمان رئیس‌جمهور این کشور ایفا کرده بود در سال ۱۹۹۵ میلادی نخستین توافقنامه جامع فرهنگی میان دولت ایران و تاجیکستان را امضا کرد. روابط حسنه میان دو کشور در دولت‌های بعدی ایران نیز ادامه داشت به‌طوری‌که در ابتدای کار دولت دهم نیز یک تفاهم‌نامه فرهنگی دیگر منعقد شد و روابط فرهنگی دو کشور ابعاد جدیدی پیدا کرد. «بر اساس این قرارداد، برنامه‌های همکاری و دادوستدهای فرهنگی دو کشور هر سه سال یک‌بار امضا می‌شد. قرارداد آذر ۱۳۹۳ که قرار بود تا سال ۱۳۹۷ ادامه داشته باشد، مواردی چون همکاری در زمینه‌های فیلم، نمایشگاه‌های فرهنگی، هفته‌های فرهنگی، هفته فیلم، مشارکت دو کشور در جشنواره‌های ایران و تاجیکستان، همکاری‌های علمی، حفظ و مرمت آثار تاریخی و کتاب‌های خطی، هنرهای نمایشی، موسیقی و هنرهای تجسمی را دربرگرفت.» (احمدی، ۱۳۹۷).

رابطه صمیمانه ایران و تاجیکستان در ادامه راه دچار مشکل شد و سیر نزولی به خود گرفت. امامعلی رحمان به دنبال پایان دادن به فعالیت حزب نهضت اسلامی و رهبر آن،

محمّدالدین کبیری بود که پس از مرگ عبدالله نوری رهبری این گروه را عهده‌دار شده بود. در سال ۲۰۱۵ وزارت دادگستری تاجیکستان در نامه‌ای به نهضت اسلامی خواستار توقف فعالیت‌های غیرقانونی این حزب شد. روابط صمیمانه ایران با این حزب باعث ناراحتی مقامات تاجیک شده بود زیرا آن را به عنوان یکی از متحدان اسلام‌گرای ایران می‌دیدند. در ادامه نیز در پی کشف کودتای نافرجام عبدالحلیم نظرزاده معاون وزارت دفاع تاجیکستان دولت این کشور ایران را به حمایت مالی و نظامی از شبکه کودتا متهم کرد (رویترز، ۲۰۱۷). چند ماه بعد نیز حضور محمّدالدین کبیری در هفته وحدت در تهران و ملاقات وی با آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی در پایان نشست این کنفرانس بر وخامت اوضاع افزود. دولت تاجیکستان نسبت به این مسئله واکنش شدیدی نشان داد و یادداشتی اعتراضی برای مقامات ایرانی ارسال کرد (Eurasianet, 2016). پیامدهای این دعوت صرفاً سیاسی نبود و در بعد فرهنگی نیز روابط دو کشور را خدشه‌دار کرد. تاجیکستان دفتر کمیته امداد امام خمینی (ره) و بسیاری از دفاتر و نمایندگی‌های رایزنی فرهنگی ایران در تاجیکستان را تعطیل کرد و توزیع و انتشار آثار امام خمینی (ره) را نیز غیرقانونی اعلام کرد. پس از تهاجم عده‌ای از دانشجویان به سفارت عربستان سعودی در تهران در اعتراض به اعدام روحانی معروف شیعه، شیخ نمرباقر النمر به همراه ۴۰ نفر دیگر، رئیس‌جمهور تاجیکستان در سفر به ریاض، ضمن محکوم کردن تهاجم به سفارت عربستان سعودی در ایران، تلاش کرد ضمن نزدیکی به این کشور باهدف تعمیق پیوندهای اقتصادی، به نوعی واکنش اعتراض‌آمیز خود را به تحولات نشست کنفرانس وحدت اسلامی در تهران نشان دهد. واکنش مقامات تاجیکستان طوری شد که به دانشجویان و روحانیون تاجیکستانی شاغل به تحصیل در ایران به‌ویژه فارغ‌التحصیلان جامعه المصطفی العالمیه با دید منفی نگریسته و محدودیت‌هایی را نیز برای آن‌ها به وجود آورد.

بعدها اما حسن روحانی رئیس‌جمهور وقت ایران در سال ۱۳۹۸ (۲۰۱۹ میلادی) به تاجیکستان سفر و با امام‌علی رحمان دیدار و تلاش کرد تا رابطه دو کشور را بهبود بخشد. در دولت سیزدهم روابط سیاسی دو کشور مجدداً گسترش یافت و سید ابراهیم رئیسی در نخستین سفر خارجی خود به دوشنبه سفر کرد و نه ماه بعد نیز امام‌علی رحمان پس از نه سال وقفه به تهران سفر می‌کند. در بیست و یکمین اجلاس کشورهای سازمان همکاری شانگهای که در شهر دوشنبه برگزار شد و در اولین حضور سید ابراهیم رئیسی به عنوان رئیس‌جمهور ایران در این اجلاس با عضویت ایران

در سازمان همکاری شانگهای موافقت شد و جمهوری اسلامی ایران نهمین عضو این سازمان منطقه‌ای شد. تاجیکستان پیشتر با عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای به دلیل حمایت ادعایی ایران از حزب نهضت اسلامی مخالفت کرده بود و موافقت آن‌ها با حضور ایران به معنای تمایل دوشنبه و تهران به تعامل با یکدیگر پس از یک دوره تلاطم در روابط دو کشور بوده است. بهبود روابط میان دو کشور صرفاً در حوزه سیاسی و اقتصادی محدود نماند و به حوزه‌های امنیتی و نظامی نیز سرایت کرد؛ به‌طوری‌که در سفر رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به تاجیکستان در اردیبهشت ۱۴۰۱، کارخانه تولید پهپاد ابابیل ۲ به عنوان پروژه مشترک وزارتخانه‌های دفاع دو کشور افتتاح و مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

با آغاز به کار دولت چهاردهم، مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری اسلامی ایران نیز به تاجیکستان سفر و با امام‌علی رحمان دیدار کرد. پزشکیان در دیدار رئیس‌جمهور تاجیکستان در نیویورک روابط دو کشور را ممتاز توصیف کرد و خواستار توسعه روابط فرهنگی، علمی، اقتصادی و امنیتی میان دو کشور شد. امام‌علی رحمان با اشاره به پیشرفت‌های ایران علیرغم تحریم‌ها خواستار تعمیق روابط میان دو کشور در همه زمینه‌ها و استفاده از تجربیات ایران شد. رحمان در ادامه نیز به قدمت فرهنگ و تمدن ایران باستان اشاره کرده و تاجیکستان را نیز بخشی از این تمدن خواند و بر روابط فرهنگی دو کشور صحنه گذاشت (پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، ۱۴۰۳). در سفر رئیس‌جمهور ایران به تاجیکستان در دی ماه ۱۴۰۳، ضمن لغو روادید سفر میان دو کشور، روسای جمهور دو کشور در نشست مشترک فعالان اقتصادی و گردشگری، به ظرفیت‌های مشترک فرهنگی اشاره کرده و امام‌علی رحمان در سخنرانی خود به تاریخ مشترک فرهنگی و مشاهیر مشترکی چون رودکی، فردوسی، حافظ، سعدی و کوروش هخامنشی اشاره می‌کند. نکته جالب توجه آن است که در پایان این نشست روسای جمهور ایران و تاجیکستان هرکدام با خواندن شعری فارسی از رودکی، مراسم را به پایان می‌رسانند.

روابط فرهنگی دو کشور در عرصه‌های موسیقی، تئاتر، سینما و رسانه نیز بیشتر براساس برگزاری جشنواره‌ها و سفرهای گروهی و فردی هنرمندان میان دو کشور و ارسال یادداشت‌های رسمی بوده است. موسیقی در تاجیکستان جایگاه ویژه‌ای دارد. موسیقی مورد پذیرش مردم تاجیکستان دارای وجوه آرام و ساده همراه با تصنیف‌های شاد است. البته علاقه‌مندی تاجیک‌ها به موسیقی پاپ ایرانی نیز شایان توجه است. یکی از تجربه‌های حضور هنرمندان ایرانی در تاجیکستان به کنسرت محمدرضا شجریان در آوریل ۱۹۹۰

برمی‌گردد که مورد استقبال مردم تاجیکستان نیز قرار گرفت. علاوه بر این در هفتمین جشنواره موسیقی فجر گروه هنری آدینه هاشم و گروه هنری فلک به سرپرستی دولتمند خالاف برنامه اجرا کردند. به‌طور کلی تا پیش از تیرگی روابط سیاسی ایران و تاجیکستان در سال ۱۳۹۴ خورشیدی (۲۰۱۵ میلادی) رفت‌وآمد هنرمندان ایرانی و تاجیکی به کشورهای یکدیگر و به مناسبت‌های گوناگون در جریان بود. هنرمندان تاجیک مانند ظفرناظم، حکیم محمود، معروف خواجه بهادر، دانه بهرام، سنگین مراد قربان، طالب شهیدی، مستانه ارگش او، سعادت عمراوا و شاهده هاشم اوا به مناسبت‌های گوناگون در ایران به هنرنمایی پرداخته‌اند. به‌طور کلی بررسی آثار موجود تاجیک و رصد علایق تاجیکان به‌ویژه تجربه میدانی از تاجیکستان توسط برخی نگارندگان این پژوهش از میزان اقبال مردم این کشور در خصوص موسیقی، نشان از آن دارد که تاجیک‌ها علاقه بسیاری به موسیقی ایرانی به‌ویژه هنرمندان جدید و جوان ایرانی دارند که این ظرفیت باید به‌صورت ویژه مورد توجه سیاست‌گذاران ایرانی قرار گیرد. هنرمندان ایرانی نیز در طول سالیان گذشته در سفر به تاجیکستان به اجرای برنامه پرداخته‌اند. برای مثال در روزهای جشن نوروز سال ۱۹۹۳ گروه تئاتر «پیام دوستی» ایران که به تاجیکستان سفر کرد، نمایشنامه «چله نشین» اثر مسعود سمیعی را در این کشور اجرا کرد. علاوه بر این از ۲۶ نوامبر تا ۶ دسامبر ۱۹۹۰ جشنواره فیلم‌های ایرانی در شهر دوشنبه برگزار شد. در این جشنواره که هنرمندان ایرانی حضور داشتند، در ۱۰ روز در سینماهای پایتخت تاجیکستان ۲۰ فیلم جدید ایرانی به نمایش گذاشته شد. درآمد حاصل از نمایش این فیلم‌ها به حساب بنیاد ساخت مجسمه حکیم ابوالقاسم فردوسی در میدان آزادی شهر دوشنبه واریز شد.

برای گسترش روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان در عرصه همکاری‌های آموزشی و کتابخانه‌ای نیز اقداماتی صورت گرفت. برای مثال با هدف آموزش و تحقیق گویش‌های زبان فارسی تاجیکی در سال ۱۹۹۴ با همکاری معاونت آموزشی و پژوهشی وزارت امور خارجه ایران و همکاری پژوهشگاه زبان و ادبیات رودکی فرهنگستان علوم تاجیکستان در شهر دوشنبه پژوهشگاه فرهنگ فارسی‌تاجیکی تأسیس شد. هم‌چنین نخستین قرارداد همکاری علمی تاجیکستان و ایران میان آکادمی علوم تاجیکستان و دانشگاه مشهد در سال ۱۹۹۶ به امضا رسید. علاوه بر اینکه با حمایت ایران کتابخانه‌های متعددی در شهرهای تاجیکستان ساخته و مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند اما حتی پس از ترمیم روابط سیاسی طرفین از سال ۱۴۰۰ خورشیدی، اقدام عملیاتی و جدی در برقراری روابط فرهنگی میان کتابخانه‌های ملی دو کشور به‌ویژه در حوزه تبادل نسخ خطی موجود صورت

نگرفته است. کتابخانه ملی تاجیکستان به نام ابوالقاسم فردوسی نامگذاری شده و در زمره قدیمی‌ترین کتابخانه‌های منطقه آسیای مرکزی است و بیش از سه میلیون کتاب را نگهداری می‌کند و دارای قدیمی‌ترین نسخ خطی مربوط به قرون ۱۲ تا ۲۰ میلادی است. علی‌رغم اینکه در سفر ۱۷ آبان ۱۴۰۲ سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور وقت ایران به تاجیکستان، پنج سند همکاری در حوزه فرهنگ و هنر، آموزش، علوم و فناوری و همکاری‌های رسانه‌ای به امضا طرفین رسیده است؛ اما تاکنون اقدام جدی در حوزه توافقات مبادله‌ای میان کتابخانه‌های ملی دو طرف صورت نگرفته است.

فرصت‌ها و اشتراکات ژئوکالچرال ایران و تاجیکستان

وجود اشتراکات دینی با بیش از ۸ میلیون مسلمان در تاجیکستان، اشتراکات زبانی در زیرمجموعه گویش‌های زبان فارسی و وجود تشابهات فرهنگی با ایرانیان نمونه‌هایی بدیع از پیوندهای عمیق فرهنگی میان ایران و تاجیکستان است. این عوامل موجب همگرایی بین ایران و تاجیکستان در حوزه فرهنگی گردیده است و موجب شده تا تفاهم و دوستی میان دو کشور گسترش یابد. ازاین‌رو حوزه فرهنگ از مهم‌ترین بسترهایی است که ایران می‌تواند با ارتقای سطح و حجم همکاری با تاجیکستان، ضمن احیای فرصت‌های ژئوکالچر خود در آسیای مرکزی، زمینه همگرایی بیشتر در عرصه سیاست خارجی را فراهم کند.

زبان فارسی

زبان فارسی مهم‌ترین عامل پیوند میان ایران و تاجیکستان است. باید بدانیم که زبان فارسی از استوارترین رشته‌های پیوند قومی ما در طول سده‌ها بوده است و هنوز هم می‌تواند این نقش را ایفا کند. خراسان بزرگ و ماوراءالنهر در همه فراز و نشیب‌های تاریخ، توسط فرهنگ ایرانی و زبان فارسی پایدار مانده است. قرن‌ها تکلم هر دو کشور ایران و تاجیکستان به این زبان مشاهیر و مفاخر فارسی زبان مشترکی را برای هر دو کشور ایجاد کرده است. فرهنگ تاجیک در قرن دهم تا یازدهم میلادی برابر با قرن چهارم تا پنجم هجری قمری شکوفایی بسیاری یافت که رودکی نمود برجسته آن است و پس از استقلال تاجیکستان اماکن عمومی بسیاری به نام‌های شعرای بزرگ فارسی زبان چون حافظ، سعدی، خیام، فردوسی، رودکی و... نامگذاری شد. زبان تاجیکی یکی از لهجه‌های جنوب غربی فلات ایران است. الفبای تاجیک ابتدا به لاتین تغییر کرد اما در سال ۱۹۴۰

الفبای سیریلیک به عنوان الفبای رسمی برگزیده شد. گرچه تاجیک‌ها به زبان فارسی تکلم می‌کنند اما آن را با خط سیریلیک می‌نویسند. به همین دلیل پس از استقلال تاجیکستان ایران سیاست احیا روابط فرهنگی و پیوندهای ژئوکالچرال میان دو کشور را در پیش گرفت. «با کوشش ایران در تاجیکستان، کتابخانه‌هایی در شهر دوشنبه، خجند، کولاب، خاروق، کانی بادام، پنجکنت و استروشن و اتاق‌های ایران در دانشکده ادبیات دانشگاه دولتی ملی تاجیکستان و دانشگاه دولتی خجند تأسیس شد. همچنین به پژوهشگاه‌های فرهنگستان علوم تاجیکستان و مراکز آموزش عالی تاجیکستان چندین هزار جلد کتاب در رشته‌های گوناگون علمی اهدا شده است.» (نوروزی، قاضی و دیگران، ۱۴۰۰).

دولت تاجیکستان چند سال پیش از استقلال در سال ۱۹۸۹ زبان فارسی را به جای زبان روسی به عنوان زبان رسمی برگزید و کلیه مدارس و ادارات دولتی و غیردولتی و مؤسسات علمی و فرهنگی موظف به رعایت آن بودند. رایزنی فرهنگی ایران در دوشنبه در زمینه احیای زبان فارسی نهایت تلاش خود را به کار گرفت و پس از پایان جنگ داخلی تاجیکستان فعالیت‌های خود را در این کشور مجدداً آغاز کرد و در کنار کلاس‌های آموزش زبان فارسی که در رایزنی فرهنگی برگزار می‌کرد در دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی و آموزشی و حتی در مدارس تاجیکستان نیز فعالیت‌های خود را آغاز کرد. مهم‌ترین فعالیت فرهنگی ایران در تاجیکستان آموزش خط فارسی در دانشگاه دولتی ملی تاجیکستان بود که همه دانشجویان موظف بودند یک سال به مدت دو هفته آموزش خط فارسی داشته باشند. در دانشگاه‌های دیگر تاجیکستان همچون دانشگاه اقتصاد و مالیات نیز کلاس‌های آموزش خط فارسی آغاز شد. فعالیت‌های ایران صرفاً محدود به دانشگاه‌ها نبود و مراکز مذهبی را نیز در برمی‌گرفت. رایزنی فرهنگی در دانشگاه اسلامی امام ترمذی نیز کلاس آموزش خط فارسی را برگزار کرد تا دانش‌پژوهان مذهبی تاجیک نیز با خط فارسی آشنا شوند. رایزنی فرهنگی در ادارات دولتی همچون وزارت انرژی نیز کلاس دایر کرد و در مدارس دولتی تاجیکستان نیز آموزش خط فارسی را آغاز کرد و حتی از ایران نیز معلمانی را برای آموزش به دانش‌آموزان تاجیک فرستاده شدند.

رحمان نبی‌اف رئیس‌جمهور تاجیکستان در نخستین سفر خود بعد از استقلال این کشور در ژوئن ۱۹۹۲ پس از بازدید از مراکز تاریخی و ادبی ایران در شیراز اظهار داشت «تا قرن پانزدهم ایرانی‌ها و ما تاجیک‌ها در یک کشور واحد زندگی می‌کردیم.» همچنین او در مصاحبه‌ای با نشریه نارودنایا گازاتا، ایران و تاجیکستان را دو کشوری

تعریف کرد که با صدها رشته تاریخ و فرهنگ مشترک و وحدت زبان و ادبیات به هم نزدیک‌اند. او در سفر شیراز به این موضوع اشاره کرد و گفت «به زبان شاعرانه فارسی سخن گفتم و تندیس‌های مقدس شیخ سعدی و خواجه حافظ را که اشعار جاودانه آن‌ها قلب مردمان شرق و غرب را تسخیر کرده است زیارت کردم» (احمدی: ۱۳۹۸). علاوه بر این آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با امام‌علی رحمان، رئیس‌جمهور تاجیکستان در مرداد ۱۴۰۳ بر اهمیت احیای خط فارسی اشاره کرده و این‌طور گفتند که «زبان فارسی یکی از اشتراکات مهم ایران و تاجیکستان است و باید برای حفظ و گسترش این زبان و جلوگیری از برخی تلاش‌ها برای انزوای آن، همکاری‌های بیشتری انجام شود. ... خط باستانی فارسی نیز در تاجیکستان ترویج شود.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، ۱۴۰۳).

باتوجه به اهمیت زبان فارسی در اشتراک میان دو کشور بسیاری از نخبگان تاجیک خواستار همکاری نزدیک‌تر ایران با مراکز آموزشی و پژوهشی و ترویج زبان فارسی در تاجیکستان بودند. حتی در این باره خانم گل رخسار صفی، شاعر معاصر تاجیک اشاره می‌کند که گسترش زبان فارسی در تاجیکستان فقط باید از طرف ایران باشد زیرا وضع اقتصادی این کشور بهتر است (گل رخسار، ۱۳۷۵). اهمیت زبان فارسی به عنوان یکی از فرصت‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان در آثار ادیبان بزرگ این کشور از جمله محمد جان شکوری نیز قابل ملاحظه است. چراکه او در این باره می‌گوید «ایران نباید بگذارد که هیچ‌یک از شاخه‌های درخت ایرانیت که در سرزمین پرپرکت ماوراءالنهر پرورده است خشک شود. تاجیکان امروز تنها نیستند و ایران بزرگ در کنار آنان است.» علاوه بر این موارد ادیبان دیگری در حوزه زبان فارسی، ایران را به عنوان برادر بزرگ خطاب کرده و تأکید می‌کنند که ایرانی‌ها باید بیشتر در راستای همکاری‌های زبانی و فرهنگی فعالیت کنند. در این باره صفرعبدالله استاد تاجیکی دانشگاه‌های قزاقستان اشاره می‌کند که پیشنهاد من این است که «ایران بزرگ آن ایران کوچک را که نامش تاجیکستان است فراموش نکند و تا جایی که می‌تواند همه‌جانبه به آن یاری رساند. من معتقدم که روزی آن مردم قدر یاری‌هایی که ایران به تاجیکستان می‌رساند را خواهند دانست و این مسئله خیلی مهم است» (عبدالله، ۱۳۹۱).

البته تلاش‌هایی نیز در راستای پیوند کشورهای فارسی‌زبان از طریق تأسیس شبکه تلویزیونی «نوروز» به زبان فارسی توسط سه کشور ایران، تاجیکستان و افغانستان

صورت گرفت که تاکنون بی‌نتیجه مانده است. در مرداد ۱۳۸۵ خورشیدی پیشنهاد راه‌اندازی شبکه مشترک تلویزیونی توسط رئیس‌جمهور ایران مطرح و مورد موافقت دو کشور افغانستان و تاجیکستان قرار گرفت. در شهریور ۱۳۸۷ خورشیدی در حاشیه اجلاس سازمان همکاری شانگهای بود که در نشست سه‌جانبه ایران، تاجیکستان و افغانستان موسوم به کشورهای فارسی‌زبان، بیانیه مشترکی به امضا رسید که ششمین مورد توافق آن چنین طرح شده بود: «طرف‌ها با تأکید بر اهمیت و نقش سازنده ایجاد شبکه تلویزیونی مشترک به منظور توسعه و تحکیم ارتباطات و پیوندهای مشترک تاریخی و فرهنگی ملل دوست و برادر، مقامات ذیصلاح سه کشور را موظف کردند تا طی مدت ۲ ماه آینده اسناد مربوط به زمینه‌های حقوقی ساختار تشکیلاتی، نیروی انسانی و مالی شبکه تلویزیونی مشترک را آماده سازند.» اما از آخرین اجلاس برگزار شده تاکنون هیچ اقدام عملی در این باره توسط سه کشور نامبرده صورت نگرفته است. کاهش جدی روابط سیاسی ایران و تاجیکستان متأثر از عوامل گفته شده در بخش قبلی و سقوط دولت افغانستان و تسلط دوباره طالبان بر این کشور و عدم اولویت منطقه آسیای مرکزی در سیاست خارجی دولت‌های یازدهم و دوازدهم در ایران از عوامل مهم عدم راه‌اندازی این شبکه تلویزیونی بوده است.

اشتراکات تاریخی، تمدنی و نژادی

تاجیکستان پس از فروپاشی شوروی و کسب استقلال در تلاش برای کسب یک هویت فرهنگی بود. تاجیک‌ها امیر اسماعیل سامانی، مؤسس امپراطوری سامانی را به عنوان مؤسس اولین دولت تاجیک تحسین کردند و وی را به عنوان مرجع فرهنگی خود برگزیدند. مجسمه امیر اسماعیل سامانی در میدان مرکزی شهر دوشنبه گواه این امر است. تاجیکستان حتی نام سامانی را برای واحد پول خود انتخاب کرد و بر روی اسکناس‌های سامانی نیز عکس اسماعیل سامانی نقش شده است. برخی منابع ریشه تاجیک‌ها را اقوام آریایی می‌دانند که ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح در آسیا پراکنده شدند. ریشه اجدادی تاجیک‌ها نیز به ایرانیان شرق یعنی باختری‌ها و سغدی‌ها می‌رسد. سرزمین تاجیکستان در گذشته با نام‌های ورزرو، ورارود یا فرارود شناخته می‌شد که پس از فتوحات اسلامی از نظر جغرافیایی جزئی از منطقه ماوراءالنهر بود. اقوام آریایی نیز از زمان‌های قدیم در حواشی رودهای سیحون و جیحون زندگی می‌کردند.

در تاریخ اسطوره‌ای، سرزمین امروز تاجیکستان و نواحی مختلف آن جایگاه پیشدادیان و کیانیان بوده است. این منطقه در عصر هخامنشیان ایالت باختر و در عصر ساسانیان نیز ایالت سغد را تشکیل می‌داد. «دامنه کوه‌های پامیر و بدخشان که ادامه سلسله کوه‌های هندوکش است، از زمان‌های قدیم محل سکونت اقوام ایرانی بوده که بازیافت‌های باستان‌شناسان گواه این گفته‌هاست. در قلمرو تاجیکستان، آثار تمدن‌های باستانی عصرهای مختلف: سنگ، برنز، آهن، زمان حکمرانی دولت‌های بزرگ باختر، سغد، خوارزم، هخامنشی، یونانی و مقدونی، یونانی و باختر، پارتی (اشکانی)، کوشانی، هون‌ها، هپتالیان، ساسانیان، سامانیان و... مکشوف گردیده است که تاریخ قدیم و تمدن باستانی و غنی این سرزمین باستانی را بازگو و ارزیابی می‌کند.» (ستاری، ۱۳۸۸).

خرابه‌های کیقبادشاه از آثار ایرانی تاجیکستان است. بقایای این شهر شامل دیوارهای ضخیم گلی و برج‌های مربع‌شکل این شهر از جاذبه‌های گردشگری تاجیکستان محسوب می‌شود. سرزمین سغد نیز از سکونتگاه‌های اقوام آریایی محسوب می‌شد و ساکنانش به زبان سغدی که متعلق به گروه زبان‌های ایرانی شرقی است، تکلم می‌کردند. در یکی از کتیبه‌های داریوش به انتقال سنگ‌های زینتی از سغد برای ساخت یک کاخ در شوش اشاره شده است. در اوستا نیز اهورامزدا سغد را به عنوان یکی از بهترین سرزمین‌های جهان به وجود آورد. شکارگاه سرزمین یکی از بناهای قدیم سغد است که به عهد برنز متعلق بوده است. این شکارگاه بسیار بزرگ زیستگاه انواع گوناگونی از چارپایان بوده است و شاهان سغدی نیز در آن به شکار می‌پرداختند. پنجکنت یکی از شهرهای سغد باستان بود که در کاوش‌های باستان‌شناسانه در آن، آثار اقوام آریایی یافت شده است. در پنجکنت باستانی قسمتی از شهرهای که عمارت‌های دو طبقه باشکوه است متعلق به اشراف سغدی بود و بقیه شهر نیز به مردم عادی اختصاص داشت. دیوارنگارهای پنجکنت که نقاشان مانوی کشیده‌اند از بخش‌های تماشایی این شهر محسوب می‌شود. این دیوارنگارها همچنین داستان‌های اسطوره‌ای رستم، پهلوان شاهنامه را نیز به تصویر کشیده است.

به لحاظ تاریخی تمام سرزمین آسیای مرکزی در زمره جغرافیای ایران فرهنگی قرار دارد و سابقه ارتباط این منطقه با ایران به بیش از سه هزار سال می‌رسد. آسیای مرکزی تا قبل از انعقاد پیمان آخال بین ایران و روسیه در زمره سرزمین‌های ایران محسوب می‌شد. بدین ترتیب مردمان این منطقه دارای تبار ایرانی هستند و در سراسر منطقه آسیای مرکزی پراکنده بودند. از نظر تاریخی کوروش پس از آنکه اهالی باکتریا، سغد و

خوارزم را به اطاعت خود واداشت در سواحل دوردست سیحون هم شهری را به نام خود پایه‌گذاری کرد. هرودوت هم در شرح ساتراپی‌های ایران، ساتراپی شانزدهم را شامل پارت‌ها، خوارزمی‌ها و آریایی‌ها برمی‌شمارد.

بنابراین پیوندهای فرهنگی و تمدنی ایران با تاجیکستان به گذشته‌هایی دور بازمی‌گردد که ایران و تاجیکستان را دارای سرنوشت مشترک می‌کند به گونه‌ای که برخی از آداب و رسوم امروز در تاجیکستان کاملاً نشان‌دهنده آن است که ایرانی‌ها پدیدآورنده آن بوده‌اند (ملیکان، ۱۳۹۱). یکی از نقاط اشتراک تاریخی میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تاجیکستان قرار گرفتن هر دو کشور در حوزه تمدنی جاده ابریشم باستان است که میراث مادی و فرهنگی و معنوی بسیاری را برای دو کشور خلق کرده است. به تعبیری دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بستر حوزه تمدنی، فکری و فرهنگی جاده ابریشم قابل درک است. گرچه واژه راه ابریشم را اواخر قرن نوزدهم میلادی کاشف آلمانی به نام فردیناند فریه‌ریختوفن^۱ ابداع کرد (رئسی نژاد، ۱۴۰۱: ۲). اما مفهوم فرهنگی جاده ابریشم دروازه ورود فرهنگی ایران به تاجیکستان و در رهیافت ژئوکالچر نیز به ترکیب فرهنگ و اقتصاد و جغرافیا اشاره دارد. اساساً ریشه همه تحولات تاریخی این منطقه و ایجاد پیوندهای تاریخی میان ملت‌های آن و سیراندیشه‌ها و باورها در قالب راه ابریشم باستانی صورت گرفته است (فرانکوپان، ۲۰۱۵). در حقیقت در طول مسیر جاده ابریشم بود که زبان فارسی در تمام این منطقه به عنوان زبان مسلط بازرگانان شد و غنای فرهنگ ایرانی باعث ماندگاری این مفهوم در طول تاریخ شده است.

نوروز

جغرافیای نوروز در بیش از ۴۰ کشور جهان از جمله ایران، افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، ترکیه، گرجستان، ارمنستان، جمهوری آذربایجان، سوریه، عراق، مصر، چین، روسیه، هندوستان، پاکستان، بنگلادش، نپال، بحرین، یمن، عمان، امارات متحده عربی، کویت، سودان، قبرس، اوکراین، جمهوری مقدونیه، مغولستان، تایلند، ویتنام، ژاپن و برخی کشورهای اروپایی را شامل می‌شود. این جشن توسط بیش از ۳۰۰ میلیون نفر در سراسر جهان و برای بیش از ۳۰۰۰ سال در منطقه آسیای جنوب غربی، آسیای مرکزی، بالکان و قفقاز مورد احترام است (متقی دستانی و آمره، ۱۴۰۱).

جشن نوروز با آنکه توسط اتحاد شوروی با محدودیت‌های همراه بوده است اما یکی از جشن‌های با اهمیت ایرانی است که همواره در میان مردمان منطقه به‌ویژه تاجیکستان مورد احترام خاصی است و می‌تواند به عنوان یکی از فرصت‌های دیپلماسی فرهنگی ایران در راستای همگرایی و ایجاد اتصال میان ایران با تاجیکستان به کار برده شود. پس از تصویب قطعنامه‌ای در سازمان ملل متحد تحت عنوان روز بین‌المللی نوروز این عید به عنوان یک فرصت بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. ایران اولین و دومین نشست مقامات عالی رتبه کشورهای حوزه نوروز را در تهران برگزار کرد و مقامات کشورهای تاجیکستان، ترکمنستان، افغانستان، عراق، ترکیه و جمهوری آذربایجان در این رویداد فرهنگی به عنوان یکی از نمادهای دیپلماسی فرهنگی ایران حضور فعالی داشتند. جشن نوروز با همکاری سه کشور فارسی‌زبان ایران، افغانستان و تاجیکستان در نوروز ۱۳۸۷ در شهر دوشنبه و در نوروز ۱۳۸۸ در مزارشریف برگزار شد. متعاقب این اقدام در ۸ مهر ۱۳۸۸ شمسی، نوروز توسط سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو)، به عنوان میراث جهانی به ثبت جهانی رسید و روز ۲۱ ماه مارس را به عنوان روز جهانی عید نوروز با ریشه ایرانی به رسمیت شناخت و آن را در تقویم خود جای داد. در متن تصویب شده در مجمع عمومی سازمان ملل، نوروز، جشنی با ریشه ایرانی که قدمتی بیش از سه هزار سال دارد و امروزه بیش از ۳۰۰ میلیون نفر آن را جشن می‌گیرند؛ اشاره شده است. نخستین دوره «جشن جهانی نوروز» نیز در روز ۷ فروردین ۱۳۸۹ در تهران برگزار شد. در این جشن، روسای جمهور افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان و عراق و مقاماتی از جمهوری آذربایجان و ترکیه حضور داشتند. دوره دوم جشن جهانی نوروز نیز در فروردین ۱۳۹۰ و در تهران برگزار شد و در بیانیه پایانی نشست تأکید شد که لازم است کشورهای حوزه تمدنی و فرهنگی نوروز در مناطق شبه قاره هند، آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه، بالکان، حوزه دریای سیاه و بخش‌هایی از آفریقا نسبت به ترویج و گسترش فرهنگ نوروزی اهتمام ورزند. دوره سوم این جشن جهانی نیز در فروردین ۱۳۹۱ در شهر دوشنبه، پایتخت تاجیکستان برگزار شد.

با توجه به اهمیت و نقش فرهنگی نوروز حتماً این عامل فرهنگی می‌تواند به عنوان یکی از فرصت‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار گیرد (فرجی راد، قربانی نژاد و مهربان، ۱۳۹۶). نوروز در تاجیکستان به‌ویژه برای مردم بدخشان به عنوان عید ملی باستانی مورد احترام است. البته جشن سنتی نوروز در این کشور طی

چند سال گذشته و با اهتمام دولت این کشور به صورت ویژه مورد احترام قرار گرفته و پنج روز اول بهار هر سال به مناسبت جشن‌های نوروزی در این کشور تعطیل رسمی شده است. اهمیت نوروز در تاجیکستان تا بدان حد است که به‌ویژه در استان بدخشان متولدان جدید را به نام نوروز یا نوروزشاه یا نوروزگل نامگذاری می‌کنند. علاوه بر جشن نوروز مراسم‌های جانبی که ریشه در سنت ایرانی دارد از جمله خانه‌تکانی یا جاروبندان هم در این تاجیکستان و در روز ۱۹ مارس برگزار می‌شود. با توجه به عمق ایرانی نوروز در تاجیکستان این اشتراک فرهنگی می‌تواند به عنوان فرصتی در نظر گرفته شود و عید نوروز را به جایگاهی راهبردی و سرنوشت ساز ارتقا دهد.

اسلام و آموزه‌های دینی

آموزه‌ها و ارزش‌های دینی و اسلامی یکی از نقاط اصلی اشتراکات میان ایران و تاجیکستان است که در صورت بهره‌گیری درست از آن می‌توان به عنوان یکی از فرصت‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از آن یاد کرد. تا قبل از ورود اسلام، ادیان زرتشتی، بودایی و مسیحیت در تاجیکستان حاکم بودند تا جایی که حتی برخی موطن اصلی زرتشت را به منطقه ماوراء النهر منتسب می‌کنند (همدانی، ۱۳۸۸). در سده هفتم میلادی منطقه آسیای مرکزی توسط سپاه اسلام فتح می‌شود. مذهب بیشتر مردم تاجیکستان سنی و از شاخه حنفی است. گروه کوچکی از شیعیان در منطقه بدخشان زندگی می‌کنند. اهل سنت تاجیکستان برای اهل بیت و ائمه شیعه (ع) احترام ویژه‌ای قائلند؛ بنابراین میراث اسلامی هویت معنوی تاجیکستان را شکل می‌دهد که با زبان فارسی امتداد پیدا کرده است. از آنجایی که اسلام سنی تاجیکستان با شاخه‌های عرفان صوفی‌گری به ویژه در آثار شیخ احمد یسوی و به زبان فارسی امتداد یافته‌اس؛ به نوعی با اسلام شیعی نیز در ایران دارای اشتراکات فراوانی است. تضعیف اسلام و نهادهای اسلامی در دوران اتحاد شوروی در راستای اجرای سیاست ضد مذهبی و جدا کردن مذهب از دولت در دستور کار حکومت قرار گرفت اما با فروپاشی شوروی اسلام هویت خودش را در منطقه آسیای مرکزی و تاجیکستان بازیافت و در آغاز استقلال رهبران آسیای مرکزی اسلام را به عنوان عنصری سازنده در بازسازی هویت ناسیونالیستی خود قلمداد می‌کردند (محمدشریفی، ۱۳۸۸).

از آنجایی که اسلام به عنوان دین رسمی ایران در قانون اساسی شناخته شده است بنابراین در دیپلماسی فرهنگی ایران، رویکردهای اسلامی دارای وزن قابل توجهی است.

نکته حائز اهمیت آن است که اسلام سیاسی ایرانی خالی از افراطی‌گری و مخالف تروریسم است و از طرف دیگر تاجیکستان نیز اسلام سلفی و تندرو را از عوامل اصلی بی‌ثباتی خود قلمداد کرده که این مهم می‌تواند به عنوان بستری برای دیپلماسی فرهنگی ایران در تاجیکستان مد نظر قرار گیرد. همانطور که گفته شد نکته حائز اهمیت در شناخت اشتراکات دینی و مذهبی در تاجیکستان و ایران ترکیب آموزه‌های اسلامی با زبان عرفان و تصوف در این کشور است. بخارا و خیوه به عنوان دو مرکز مهم فرهنگی در تاریخ آسیای مرکزی از نقاط عطف تعلیمات صوفیه در منطقه آسیای مرکزی و تاجیکستان در قرون وسطی به حساب می‌آید که اسلام این منطقه را با طریقت‌های عرفانی ممزوج کرده است.

عرفان حکیمیه منسوب به حکیم ترمذی، عرفان یسویه منسوب به خواجه احمد یسوی، عرفان کبرویه منسوب به شیخ نجم الدین کبری، عرفان قادریه منسوب به شیخ عبدالقادر گیلانی و عرفان نقشبندییه منسوب به خواجه بهاء الدین نقشبند هر کدام به نوبه خود نقش مهمی در شکل‌دهی به فرهنگ مردم و قوانین اسلامی در این منطقه و این کشور داشته‌اند. عرفان قادریه و نقشبندییه در میان مردم تاجیکستان هنوز از اهمیت بالایی برخوردار است. نکته حائز اهمیت در این حوزه آن است که تصوف و عرفان تاجیکستانی ریشه ایرانی نیز دارد. تصوف از خراسان به تدریج به شمال خراسان بزرگ و آسیای مرکزی انتقال یافته است. بخارا در این حوزه مهمترین نقش را بازی کرده تا جایی که در طول تاریخ به آن بخارای شریف یا قبه اسلام نیز گفته شده است؛ بنابراین فرصت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران باید همراه با شناخت افزایش پیوندهای دینی همراه با درک ملاحظات برداشت خاص مردم این کشور از تصوف مدنظر قرار گیرد. حتماً زبان فارسی و فرهنگ ایرانی در اشاعه اسلام صوفی‌گرایانه در تاجیکستان به ویژه در آثار شیخ یوسف همدانی غیر قابل انکار است. این پیوند دینی و مذهبی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و تاجیکستان می‌تواند به عنوان ظرفیتی برای مقابله با تفکر افراطی و وهابیت و احیای مراکز فرهنگی ایران در این کشور مد نظر قرار گیرد.

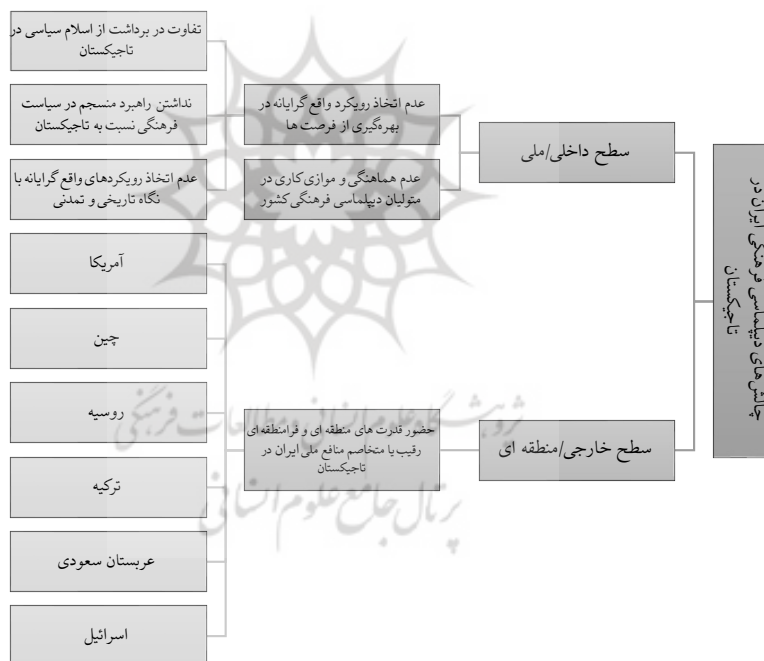
مشاهیر و مفاخر مشترک

از آنجایی که نخستین آریایی‌ها در فلات پامیر سکونت داشتند و سرزمین خوارزم و سواحل شرقی دریای خزر اولین ناحیه‌هایی بود که آریایی‌ها در آن ساکن شدند؛

پراکندگی جغرافیایی آریایی‌ها در آسیای مرکزی و فلات مرکزی ایران سبب پدیدار شدن چهره‌های شاخص و مشاهیر شاخص مشترک میان ایران و تاجیکستان شده‌است. شاعران و ادیبان مشترک چون رودکی، سعدی، حافظ، مولانای بلخی، ناصرخسرو، ابن سینا و... در رشته‌های متفاوتی در حوزه ادبیات، معماری و پزشکی سبب پدیدار شدن فرهنگ و تمدن ایرانی با غنای بسیار بالا در منطقه آسیای مرکزی و تاجیکستان شده است (حاجیانی و ایرانشاهی، ۱۳۹۹).

چالش‌های دیپلماسی فرهنگی ایران در تاجیکستان

به طور کلی چالش‌های دیپلماسی فرهنگی ایران در تاجیکستان به دو دسته کلی چالش‌های در سطح داخلی و خارجی تقسیم بندی می‌شود.



شکل ۲. نمودار چالش‌های دیپلماسی فرهنگی ایران در تاجیکستان

سطح داخلی

عدم اتخاذ رویکرد واقع گرایانه در بهره گیری از فرصت ها

تفاوت در برداشت از اسلام سیاسی در تاجیکستان

پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، کشور رویکردی منتقد نسبت به نظام بین المللی موجود را در پیش گرفت و در فضای دو قطبی نظام جهانی شعار «نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی» به عنوان نقشه راه کشور در مواجهه با نظام بین المللی انتخاب شد. با توجه به رویکرد ایدئولوژیک اوایل انقلاب اسلامی در ایران و مسائلی از جمله صدور انقلاب و تبلیغات منفی گسترده غرب علیه ایران، ادراک رهبران آسیای مرکزی و جمهوری تاجیکستان از اهداف اصلی سیاست خارجی ایران تحت تاثیر قرار گرفت. علی رغم آنکه اکثریت غالب مردم تاجیکستان فارسی زبان هستند و بیشترین پیوند فرهنگی را میان کشورهای منطقه آسیای مرکزی با ایران دارند اما دولت این کشور به ایران اجازه ساخت مدرسه و مسجد را نداد در حالی که ترکیه به عنوان رقیب منطقه ای ایران در دیپلماسی فرهنگی اقدام به ساخت چنین مکان هایی در سطح وسیع کرده است (کولایی و باقری، ۱۴۰۱).

افزایش اقبال مردم تاجیکستان به ویژه قشر جوان این کشور به اسلام افراطی و سلفی نشان از آن دارد که اتخاذ رویکرد اسلام گرایانه صرف در دیپلماسی فرهنگی میان ایران و تاجیکستان احتمالاً چالش جدی را در روابط میان دو کشور ایجاد می کند؛ بنابراین ایجاد الگویی از مذهب انقلابی می تواند به عنوان تهدید و چالشی جدی در ادراک رهبران تاجیکستان در مواجهه با ایران شناخته شود. جمهوری تاجیکستان در آغاز استقلال نسبت به رویکردهای دیپلماسی فرهنگی ایران نگاه مثبتی داشت اما رفته رفته نسبت به نوع خاص اسلام سیاسی ایران بدگمان شده و در صدد جایگزینی اسلام توسعه گرا بر مبنای الگوهایی چون حزب اسلام گرای عدالت و توسعه ترکیه به جای اسلام سیاسی ایرانی است. ضمن آنکه رژیم اقتدارگرای حاکم در جمهوری تاجیکستان به دلیل غلبه نگاه امنیتی و انتظامی در مدیریت کشور اجازه بروز و ظهور هیچ حزب اجتماعی قدرتمندی را که بتواند قدرت آن را به چالش بکشد نمی دهد و همین موضوع موجب آن می شود که نسبت به تبلیغ و ترویج مدل حکمرانی ایرانی مبتنی بر اسلام سیاسی با دیده تردید بنگرد و نسبت به سرکوب آن اقدام کند؛ بنابراین از آنجایی که اشتراکات دینی و مذهبی و به طور کلی اسلام گرایی یکی از مولفه های هویت مشترک

جمهوری اسلامی ایران با جمهوری تاجیکستان است اما اسلام سلفی در کنار فشار غربی به رهبری ایالات متحده آمریکا، ادراک رهبران این کشور در نسبت با ایران را دچار خدشه کرده است (کبریایی، ۱۳۹۰).

عدم اتخاذ رویکردهای واقع‌گرایانه با نگاه تاریخی و تمدنی

موقعیت ژئوپلیتیک و ژئوکالچر ایران در منطقه آسیای مرکزی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به دنبال حذف این کشور از کلیه معادلات این منطقه واداشته است. از یک طرف آمریکا و اروپا از طریق تبلیغات گسترده تلاش می‌کنند تا جمهوری اسلامی ایران را حامی تروریسم که خواستار براندازی نظام‌های غیردینی این منطقه هستند نشان دهند و ترس از صدور اسلام انقلابی را در میان هیئت حاکمه تاجیکستان گسترش دهند؛ از طرف دیگر کشورهایی مثل ترکیه و عربستان سعودی در حال به چالش کشیدن فرهنگ مشترک ایران و تاجیکستان هستند و به دنبال ارائه الگوی جدیدی از اسلام توسعه محور در این کشور می‌باشند. به همین دلیل در کنار تحریک و حمایت کشورهایی مثل آمریکا شاهد اقدامات ضد ایرانی در مصادره ملیت شاعرانی مثل رودکی و ناصر خسرو از سوی ترکیه و تحریف کتاب‌های درسی و ارائه تصویری غیر واقعی از جمهوری اسلامی ایران در ذهن دانش‌آموزان و جوانان تاجیکستان هستیم.

تفاوت نظام‌های سیاسی، هویت و منافع نخبگان حاکم و سیاست خارجی ناهمگون ایران و تاجیکستان سبب بروز چالش‌هایی در دیپلماسی فرهنگی ایران در این کشور شده است. اسلام سیاسی در تاجیکستان در حزب نهضت اسلامی متبلور شده است. دیدگاه متفاوت ایران و نخبگان حاکم تاجیکستان به اسلام سیاسی سبب بروز چالش‌های فراوانی در دیپلماسی فرهنگی میان دو کشور شده است. علی‌رغم میانجی‌گری مثبت ایران در جنگ داخلی تاجیکستان اما ارتباط مداوم این کشور با جریان‌های اسلام‌گرا در تاجیکستان به ویژه حزب نهضت اسلامی زمینه‌های بروز تیرگی در روابط میان دو کشور در سال‌های اخیر را فراهم آورد. گسترش اسلام‌گرایی در تاجیکستان از یک طرف و نگرانی دولت حاکم به ویژه امام‌علی رحمان، رئیس‌جمهور این کشور از اسلام سیاسی و محبوبیت حزب نهضت اسلامی باعث بروز مواضع منفی دولت دوشنبه نسبت به این حزب و جریان اسلام‌گرایی شد. به همین دلیل تاجیکستان حزب نهضت اسلامی را در اوایل سال ۲۰۱۵ به عنوان یک گروه تروریستی ممنوع اعلام کرد (پایگاه اینترنتی کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان، ۲۰۱۸).

با توجه به نگاه منفی تاجیکستان نسبت به حزب نهضت اسلامی و دعوت از

محی الدین کبیری برای حضور در کنفرانس وحدت اسلامی در تهران در دی ماه ۱۳۹۴ زمینه تیرگی روابط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ایران و تاجیکستان فراهم آمد. دیدار محی الدین کبیری در ۸ دی ۱۳۹۴ برابر با ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ با آیت الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز بر خشم دولت تاجیکستان افزود. وزارت امور خارجه تاجیکستان این اقدام را غیر قابل پذیرش تلقی کرد و به طور ضمنی اعلام کرد که دیدگاه ایران درباره دشمنان دولت و مردم تاجیکستان می‌تواند تاثیر منفی بر روابط دوستانه دو کشور داشته باشد (پایگاه اینترنتی صفحه اول ایران، ۲۰۱۵). علاوه بر این عبدالمکرم عبدالقدیرزاده رئیس شورای علمای تاجیکستان نیز دعوت از کبیری را کمک به تروریسم توصیف کرد. در پی این اقدام وزارت معارف و علوم تاجیکستان اعزام دانشجویان تاجیک به ایران را در دی ماه ۱۳۹۴ متوقف کرد و اعلام کرد که ایران در نسبت به تاجیکستان به وعده‌هایش عمل نکرده است. روابط ایران و تاجیکستان بعد از این رویداد دچار افت بسیار قابل ملاحظه‌ای شد به طوری که دفتر و رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان تعطیل شد و فعالیت‌های گسترده فرهنگی نهادهای مختلف ایران از جمله کمیته امداد امام خمینی (ره) به حالت تعلیق درآمد به طوری که وزیر دادگستری تاجیکستان، رستم شاهمراد اعلام کرد که فعالیت‌های کمیته امداد در تاجیکستان مغایر با اصول ۳۴، ۳۵ و ۳۷ قانون نظارت دولت بر انجمن‌هاست. از آنجایی که هیچ تهدیدی علیه امنیت ملی و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران از جانب تاجیکستان وجود ندارد و نگاه ایران به آسیای مرکزی مبتنی بر همکاری‌های اقتصادی و روابط دوستانه سیاسی متمرکز شده است لذا پیگیری یک رویکرد واقع‌گرایانه مبتنی بر حفظ ثبات و امنیت و وضع موجود از قبیل استقلال، وحدت و تمامیت ارضی جمهوری تاجیکستان از همسویی بیشتری در پیگیری رویکردهای ایدئولوژیک برخوردار است؛ بنابراین با شناسایی این چالش ضرورت دارد پس از گذشت تجربه دهه‌های قبل، این نگرش نسبت به جمهوری تاجیکستان تغییر پیدا کند و به صورت عملی و عینی و واقع‌گرایانه و نه مبتنی بر رویکردهای شعاری و تبلیغاتی بر جایگاه و منزلت راهبردی جمهوری تاجیکستان در روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با ایران تجدید نظر شود.

عدم اتخاذ راهبرد منسجم در سیاست فرهنگی نسبت به تاجیکستان

از مهم‌ترین چالش‌هایی که دیپلماسی فرهنگی ایران در تاجیکستان را تهدید می‌کند فقدان برنامه مشخص همکاری در راستای تقویت روابط با این کشور و عدم بهره‌گیری از ابزار مدرن در اعمال دیپلماسی فرهنگی، عدم حمایت فعالان فرهنگی مستقل در

جمهوری تاجیکستان و وجود تصور غلط از جمهوری اسلامی در این کشور و تلاش اندک ما برای بازسازی این تصویر است (واعظی، ۱۳۸۹). همانطور که قبلاً گفته شد، دیپلماسی فرهنگی مبتنی بر فناوری‌های نوین ارتباطی در بستر فرهنگ، آموزش و هنر ایجاد شده است. با وجود اشتراکات فراوان فرهنگی میان ایران و تاجیکستان اما برنامه منسجم و شفاف‌ی در زمینه طراحی دیپلماسی جامع جمهوری اسلامی ایران با تاجیکستان به وجود نیامده و به صورت سلیقه‌ای با اقداماتی مانند چاپ کتاب و برگزاری شب شعر و... به گسترش فرهنگ ایرانی در این کشور اقدام می‌شود.

عدم هماهنگی و موازی کاری در متولیان دیپلماسی فرهنگی کشور

یکی از چالش‌های موجود دیپلماسی فرهنگی ایران عدم انسجام و عملکرد جزیره‌ای نهادهای مسئول در دیپلماسی فرهنگی کشور است. بخش دیپلماسی عمومی وزارت امور خارجه، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، بنیاد ایران شناسی، بنیاد سعدی، دفتر همکاری‌های بین‌المللی وزارت علوم تحقیقات و فناوری، دانشگاه‌ها و مراکز مطالعاتی کشور، سازمان تبلیغات اسلامی، جامع المصطفی‌العالمیه، بخش برون مرزی سازمان صدا و سیما، رسانه‌ها و خبرگزاری‌های رسمی از جمله نهادهایی هستند که به شیوه‌های مختلف نسبت به دیپلماسی فرهنگی ایران در این کشور تاثیرگذار هستند و متأسفانه از انسجام و یکپارچگی مناسب و مطلوبی نیز برخوردار نیستند. این ناهماهنگی و موازی کاری و رقابت دستگاه‌های مختلف در حوزه فرهنگی و اجتماعی آسیب جدی به دیپلماسی فرهنگی ایران در تاجیکستان وارد ساخته است.

یکی از پیامدهای این چالش تهیه گزارش‌های کوتاه و بعضاً متفاوت با واقعیت کشورهای هدف توسط دستگاه‌های متولی است. پس از بررسی وضعیت رایزنی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور متوجه می‌شویم که برخی از این رایزنی‌ها دچار روزمرگی شده و به دلیل وجود تعدد نهادهای متفاوت در حوزه دیپلماسی فرهنگی شاهد عدم کارآمدی در تحقق وظایف دستگاه‌های دیپلماسی فرهنگی ایران در تاجیکستان هستیم. عدم وجود هماهنگی میان دستگاه‌های متولی دیپلماسی فرهنگی سبب ضعف سازماندهی این حوزه نیز شده است. عدم هماهنگی و سازماندهی ساختاری موجب تفاوت در عملکرد دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان شده است. نکته حائز اهمیت آن است که علی‌رغم بهبود روابط سیاسی ایران و تاجیکستان، اما رایزنی فرهنگی ایران در این کشور هنوز تعطیل است و راه‌اندازی دوباره آن مورد موافقت مقامات تاجیکستان واقع نشده است.

سطح خارجی

از چالش‌های دیپلماسی فرهنگی ایران در تاجیکستان در سطح خارجی باید به تبلیغات ضد ایرانی و ترویج ایران‌هراسی در این کشور توسط رقبای منطقه‌ای اشاره کرد. در سال‌های اخیر تبلیغات منفی کشورهای غربی تأثیر منفی بر روابط ایران با جمهوری تاجیکستان داشته است و تبلیغات مسموم مبتنی بر ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی در راستای حذف ایران از آسیای میانه آغاز شده است (Nagendra, 2005: 124). تفاوت در برداشت از نوع خاصی از اسلام به ویژه اسلام شیعی و انقلابی در ایران با اسلام سنی در تاجیکستان به ویژه در چارچوب نظام‌های سیاسی سکولار کشورهای آسیای مرکزی، نفوذ فرهنگی و تاریخی قدرت‌های روسیه و ترکیه، تبلیغات ایران‌هراسی از سوی قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند ایالات متحده آمریکا در چارچوب سیاست حذف ایران از معادلات منطقه و اقدامات رژیم صهیونیستی از مهم‌ترین چالش‌های دیپلماسی فرهنگی ایران در تاجیکستان است. علاوه بر این ترکیه به دلیل در اختیار داشتن برخی اشتراکات فرهنگی با کشورهای منطقه در سیستم آموزشی، فرهنگی و علمی این کشورها نفوذ قابل توجهی پیدا کرده است و درصدد افزایش عمق ژئواکونومیک و ژئوکالچر خود در تاجیکستان است.

دیپلماسی فرهنگی ترکیه در تاجیکستان؛ رقابت با ایران در برساختن الگوی توسعه نوین

پس از فروپاشی اتحاد شوروی تلاش‌های دیپلماتیک ترکیه برای نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز به اوج خود رسید. ترکیه تلاش می‌کند تا روابط خود با تاجیکستان را تقویت کند. از آنجایی که تاجیکستان تنها عضو غیر ترک زبان جمهوری‌های آسیای مرکزی است؛ می‌تواند به عنوان خللی برای دیپلماسی فرهنگی ترکیه در آسیای مرکزی تلقی شود چرا که ترکیه بر اساس سیاست نو عثمانی‌گری خود به دنبال ایجاد همگرایی میان کشورهای ترک زبان در منطقه بزرگ‌تری به نام ترکستان بزرگ است و به همین دلیل سعی می‌کند با ترویج زبان ترکی در منطقه به رقابت با سایر رقبای بازیگران از جمله جمهوری اسلامی ایران بپردازد.

ترکیه با ایجاد مراکز فرهنگی و مدارس و دانشگاه‌های جدید در کشورهای منطقه آسیای مرکزی به دنبال جذب دانشجویان جدید و ترویج زبان ترکی در این کشورهاست. نکته حائز اهمیت آن است که نسل جدید و جوان کشورهای آسیای مرکزی از جمله

تاجیکستان به دنبال الگوگیری از مدل توسعه نوین ترکیه در بین کشورهای اسلامی هستند. روابط فرهنگی تاجیکستان و ترکیه از سال ۱۹۹۲ تا به امروز رو به رشد بوده است که در حال حاضر ترکیه با داشتن بیش از ۶ مدرسه در شهرهای دوشنبه، قورغان تپه، تورسون زاده، کولاب و خجند و مدرسه بین المللی دوشنبه اقدام به آموزش زبان ترکی می‌کند. علاوه بر این یک مدرسه بین المللی و یک خوابگاه آموزش عالی نیز در تاجیکستان تأسیس شده که بیش از ۲۰۰۰ دانش آموز تاجیک در این موسسات مشغول به تحصیل هستند. طبق برنامه‌ریزی دولت ترکیه هر ساله باید تعدادی از دانش آموزان تاجیک در مدارس ایجاد شده توسط ترکیه اقدام به تحصیل و آزمون بپردازند.

از آنجایی که ترکیه ایران را به دلیل داشتن عمیق‌ترین اشتراکات زبانی با تاجیکستان به عنوان رقیب خود در عرصه دیپلماسی فرهنگی در این کشور تلقی می‌کند؛ در زمینه ساخت محصولات فرهنگی از جمله فیلم و سریال تاثیرگذار نیز با هدف انتقال مفاهیم سیاسی سکولار به این کشور فارسی زبان اقدام کرده است. ترکیه از طریق سفارت خود در تاجیکستان اقدام به تأسیس مرکزی به نام «همصدا» کرده تا از طریق تجهیزات فنی به روز به ترجمه و دوبله فیلم‌ها و سریال‌های ترکی بپردازد. علاوه بر این موسسه‌ها و نهادهای گوناگونی از جمله اداره کل امور فرهنگی ترکیه، وزارت فرهنگ و گردشگری، اداره کل دیپلماسی عمومی، سازمان آموزش عالی ترکیه، سازمان دیانت ترکیه، موسسه تیکا، موسسه تومر، بنیاد یونس امره، بنیاد زبان ترک، بنیاد تاریخ ترک در راستای یک سیاست هماهنگ اقدام به اشاعه اهداف دیپلماسی فرهنگی ترکیه در تاجیکستان می‌کنند (آدمی و نوری، ۱۳۹۲). این در حالیست که همکاری‌های فرهنگی و هنری ایران و تاجیکستان از سختی کمتری نسبت به ترکیه برخوردار است برای مثال همکاری‌های هنری دو کشور در حوزه فیلم و سریال به دلیل اشتراک زبانی نیاز به دوبله و ترجمه ندارد و می‌تواند سرعت انتشار و فراگیری آثار ایرانی در تاجیکستان را به نسبت آثار ترکی افزایش دهد.

دیپلماسی فرهنگی عربستان سعودی در تاجیکستان؛ برساختن هویت دوگانه اسلام سلفی و توسعه اقتصادی

عربستان سعودی در راستای مقابله با ترویج زبان فارسی و تقویت نفوذ فرهنگی ایران در تاجیکستان به دنبال ترویج ایدئولوژی سلفی خود به ویژه در میان مردمان مناطق روستایی این کشور است. از منظر چهارچوب نظری این پژوهش یعنی سازه‌انگاری عربستان سعودی نیز به دنبال برساختن هویتی از خود در نظام بین‌المللی است.

به همین دلیل این کشور با استفاده از دلارهای نفتی خود به دنبال ساختارسازی و نهادسازی فرهنگی در کشورهای آسیای مرکزی به ویژه تاجیکستان است. از آنجایی که کشورهای ایران و روسیه به دنبال مقابله با نفوذ وهابیت در تاجیکستان هستند عربستان سعودی به نوعی دوگانگی در پیگیری دیپلماسی فرهنگی خود دچار شده است. در حقیقت عربستان سعودی درصدد پیوند ایدئولوژی سلفی برای مخاطبان روستایی و گفتمان توسعه اقتصادی خود برای مخاطبان شهری و نخبگان تاجیکستان است. به همین دلیل این کشور به دنبال جذب دانشجویان اهل سنت کشورهای آسیای مرکزی و تاجیکستان است و از طریق برنامه‌ریزی با هدف ترویج اسلام سلفی به دنبال برساختن نوعی هویت سلفی وهابی در میان مردم این کشور است. دانشگاه ام القرا، دانشگاه اسلامی مدینه منوره و دانشگاه اسلامی امام محمد بن مسعود از جمله مراکز فرهنگی و آموزشی عربستان سعودی است که اقدام به فعالیت‌های فرهنگی در کشور تاجیکستان می‌کنند. در حقیقت مدارس اسلامی با پیشنهاد بورسیه‌های تحصیلی به جوانان و مشارکت در امور مذهبی از جمله اقدامات عربستان سعودی برای مقابله با دیپلماسی فرهنگی ایران در تاجیکستان است (اخوان کاظمی، ۱۳۹۰).

عربستان سعودی از نظر جغرافیایی با آسیای مرکزی هیچ ارتباط زمینی ندارد اما پتانسیل‌های بالقوه جمهوری اسلامی ایران برای نفوذ فرهنگی در تاجیکستان سبب آن شده است که عربستان سعودی به تبلیغات ایدئولوژیک و فرهنگی خود در این کشور بیفزاید. در حقیقت عربستان سعودی با حضور فرهنگی خود در این کشور و تبلیغ نوع خاصی از اسلام و توسعه در پی مهار نفوذ ایران در این کشور بوده است. دولت عربستان سعودی برای تحقق اهداف خود اقدام به هزینه کردن مبالغ هنگفتی در ترویج سنت‌های خود از طریق ابزارآلاتی مثل توزیع قرآن، احیای مساجد و ساخت مدارس اسلامی، نهادهای رسمی روحانیت و مفتی‌های اهل سنت و فرستادن جوانان مستعد به عربستان سعودی برای آموزش و القای عقاید وهابی و ارائه بورسیه‌های تحصیلی به جوانان و سرمایه‌گذاری در امور مذهبی و ایجاد سازمان‌هایی مانند اتحادیه مسلمانان جهان، سازمان امداد بین‌المللی و نشست‌های جهانی جوانان مسلمان اقدام کرده است (اخوان کاظمی، ۱۳۹۰).

دیپلماسی فرهنگی آمریکا در تاجیکستان؛ سیاست مهار ژئوپلیتیک و ژئوکالچر ایران، روسیه و چین

پس از فروپاشی اتحاد شوروی ایالات متحده آمریکا نیز درصدد افزایش حضور خود در آسیای مرکزی برآمد. ایالات متحده آمریکا ذیل راهبرد اصلی خود یعنی حذف بازیگران فعال منطقه‌ای از معادلات منطقه آسیای مرکزی به ویژه چین، روسیه و ایران به دنبال بهره‌گیری از قدرت نرم خود در صحنه بین‌المللی برآمده است. به همین دلیل اصلی‌ترین نظریه پرداز قدرت نرم یعنی ژوزف نای به عنوان اندیشمند آمریکایی اذعان می‌دارد باید از میلیون‌ها نفر گردشگران و دانشجویان خارجی که به ایالات متحده آمریکا سفر می‌کنند در راستای افزایش قدرت نرم این کشور در صحنه بین‌المللی بهره‌برداری شود.

به همین دلیل آمریکا دست به نهادهای مختلفی در کشورهای آسیای مرکزی با هدف ترویج و اشاعه فرهنگ آمریکایی کرده است. مهم‌ترین کار ویژه این نهادها اشاعه سبک زندگی آمریکایی و چگونگی کار و تحصیل در این کشور است. نهادهایی همچون دانشگاه‌های مطرح آمریکا اقدام به تبادل دانشجو میان کشورهای آسیای مرکزی با خود کرده است. نکته حائز اهمیت آن است که در حال حاضر فارغ التحصیلان دانشگاه‌های آمریکایی در پست‌های کلیدی و مدیریتی کشورهای منطقه از جمله تاجیکستان گمارده می‌شوند که این امر می‌تواند به عنوان چالشی جدی در مقابل دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در این کشور مد نظر قرار گیرد. در راستای همین سیاست بود که در فوریه ۲۰۲۴ سفارت آمریکا در تاجیکستان با ادعای حمایت از سیاست‌های رئیس‌جمهوری تاجیکستان در زمینه یادگیری زبان‌های خارجی، ۲۴۲ هزار کتاب انگلیسی به مدارس این کشور اهدا کرد و قرار است بیش از ۳۵۲ هزار جلد دیگر نیز توزیع شود (ایرنا، ۱۴۰۲).

دیپلماسی فرهنگی چین در تاجیکستان؛ چالش ژئوپلیتیک امنیت و محافظه‌کاری تا برساختن الگوی جدید توسعه

چین با ارائه طرح‌های بلند پروازانه‌ای مانند ابتکار یک کمربند- یک جاده به دنبال ایجاد یک نظم هنجاری اقتصادی و سیاسی جدید در تقابل با نظم تک قطبی هژمونیک مورد نظر ایالات متحده آمریکا است. دولت چین با تاکید بر تاریخ خود به عنوان چین مرکز جهان، به دنبال برساختن هویت جدید چینی در جهان پیرامون در عرصه دیپلماسی فرهنگی است. در این راستا وانگ ای وی از استراتژیست‌های مطرح چینی

به دنبال ارائه رویکردی جامع در سیاست خارجی چین از جمله دیپلماسی فرهنگی این کشور در مناطق پیرامونی و آسیای مرکزی است. از آنجایی که روابط چین با کشورهای آسیای مرکزی از جمله تاجیکستان با معادله امنیت و ثبات سیاسی منطقه سین کیانگ این کشور گره خورده است به همین دلیل چین تلاش می کند تا با توسعه روابط همه جانبه با تاجیکستان ضمن حفظ روابط همسایگی و همزیستی مسالمت آمیز به همکاری های بیشتر در راستای حفظ امنیت و ثبات این منطقه و عدم تسری بی ثباتی و ناامنی به منطقه سین کیانگ اقدام کند.

برنامه های فرهنگی چین در راستای تعمیق نفوذ فرهنگی این کشور در تاجیکستان شامل ترویج فرهنگ و زبان چینی در قالب موسسات کنفوسیوسی در این کشور قرار دارد. موسسات کنفوسیوس چینی برای آموزش زبان چینی و هنر و سبک زندگی چینی، کمک مالی با هدف تبادل استاد و دانشجو و اعزام معلم به کشورهای دیگر برای آموزش زبان چینی ایجاد شده اند (مهدی زاده، ۱۰۹). دانشگاه های چین به دنبال ثبت نام بیشتر دانشجویان تاجیکستانی در این کشور هستند و در این راستا اقدام به ارائه بورسیه های تحصیلی با بسته های کمک های مالی ویژه دولت چین اقدام کرده اند. بیش از ۲۰۰۰ دانش آموز تاجیکی در بیش از ۱۱۲ مؤسسه مختلف در چین آموزش دیده اند. علاوه بر این تعداد زیادی از دانش آموزان در یک مرکز آموزشی و فرهنگی کنفوسیوس در شهر دوشنبه آموزش دیده اند. دولت چین دوره های آموزشی و سمینارهایی را در زمینه های مختلف برای متخصصان تاجیکستان ترتیب می دهد. مراکز زبان چینی در تعدادی از موسسات آموزش عالی جمهوری تاجیکستان افتتاح شده است. همچنین گوشه فرهنگ چینی در کتابخانه ملی تاجیکستان افتتاح شد و هر دو کشور نیز سالانه نمایش ها و رویدادهای فرهنگی منظمی را برگزار می کنند؛ بنابراین همانطور که گفته شد چین نیز با تاسیس موسسات کنفوسیوس در کشورهای آسیای مرکزی و تاجیکستان به دنبال ایجاد و بر ساختن هویت مشترک میان ساکنین این کشور با خود است.

دیپلماسی فرهنگی روسیه در تاجیکستان؛ تسلط فرهنگی بر عمق ژئوکالچر خود تا حفظ هویت فرهنگی روسی

روسیه به دلیل تجربه تاریخی اتحاد شوروی همواره خود را قدرت هژمون منطقه آسیای مرکزی تلقی می کند. تفکر برگرفته از اوراسیاگرایی حاکم بر ادراک رهبران روسیه به ویژه ولادیمیر پوتین باعث شده است تا روابط روسیه با جمهوری های استقلال یافته آسیای مرکزی مبتنی بر ساختار مرکز پیرامون شکل گرفته و به نوعی آسیای مرکزی

را به عنوان منطقه «خارج نزدیک» خود ارزیابی کند. در این راستا مهم‌ترین ابزار فرهنگی روسیه برای بسط قدرت نرم خود در تاجیکستان زبان روسی است. در حال حاضر زبان روسی اصلی‌ترین زبان خارجی موجود در کشور تاجیکستان است و از آنجایی که دیپلماسی فرهنگی کشورهای مثل ایالات متحده آمریکا و روسیه در منطقه آسیای مرکزی دارای تقابل است بنابراین نهادهای روسی همواره سرمایه‌گذاری فراوانی در راستای تثبیت و بسط خط روسی در کشورهای منطقه داشته است.

تاسیس نهادهایی مانند بنیاد دنیای روسی تحت حمایت‌های ویچسلاو الکسیویچ نیکانوف، رئیس کمیسیون آموزش عالی مجلس دوما روسیه و رئیس بنیاد غیر انتفاعی بین‌المللی «روسکی میر» در سال ۲۰۰۷ نمونه خوبی از اجرای عملی دیپلماسی فرهنگی و ایده تثبیت ایده جهان روسی در کشورهای آسیای مرکزی است. اهداف این بنیاد گسترش و نشر و آموزش زبان روسی در کشورهای مثل تاجیکستان است؛ بنابراین هدف اصلی روسیه تثبیت نفوذ سیاسی خود از طریق آموزش فرهنگ و زبان روسی در کشور تاجیکستان است (دهشیری، ۱۳۹۵).

دیپلماسی فرهنگی اسرائیل در تاجیکستان؛ سیاست مقابله ژئوپلیتیک و ژئوکالچر با ایران

اسرائیل نیز اهداف فرهنگی مختلفی برای خود در حوزه کشورهای مسلمان منطقه تعریف کرده است. جلوگیری از شکل‌گیری بلوک اسلامی در مقابل اسرائیل در مجامع جهانی و منطقه‌ای و به ویژه حضور در نزدیکی مرزهای ایران برای مقابله با حضور ایران در لبنان (اخوان منفرد، ۱۳۷۹) و ایجاد پیوندهای ژئواکونومیک با کشورهای آسیای مرکزی برای برخورداری از منابع عظیم انرژی منطقه از اهداف سیاست خارجی این رژیم در کشورهای مانند تاجیکستان است.

در خلال جنگ داخلی تاجیکستان، امامعلی رحمان نخستین گام‌ها را برای تحول در مناسبات سیاسی با اسرائیل برداشت. در همین راستا، در خلال پنجاهمین سالگرد تاسیس سازمان ملل متحد که در حاشیه مجمع عمومی صورت گرفته بود، امامعلی رحمان با اسحاق رابین، نخست‌وزیر وقت اسرائیل دیدار کرد. البته پس از آن با پایان جنگ داخلی و برقراری صلح در تاجیکستان با نقش‌آفرینی مستقیم جمهوری اسلامی ایران و به دنبال آن قانونی شدن حضور احزاب اسلام‌گرا، همچون حزب نهضت اسلامی تاجیکستان، فرصت‌های اسرائیل برای حضور در تاجیکستان کمی محدود شد. با این حال بنا بر گزارشی که در سایت وزارت امور خارجه تاجیکستان موجود است،

هنوز پایه حقوقی در روابط اسرائیل و تاجیکستان وجود ندارد و صرفاً یک یادداشت تفاهم برای مشورت‌های دوجانبه بین وزارتخانه‌های امور خارجه دو طرف وجود دارد که در مورخ ۲۷ فوریه سال ۲۰۱۳ در دوشنبه به امضا رسیده است (پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت امور خارجه جمهوری تاجیکستان، ۲۰۱۳).

البته با دقت بیشتر به تحرکات اسرائیل در تاجیکستان متوجه می‌شویم که مناسبات دو طرف از همین سال ۲۰۱۳ در ابعاد سیاسی و اقتصادی به تدریج در حال گسترش بوده و تحول محسوسی را شاهد هستیم. در همین راستا بود که ساختمانی از سوی ریاست «آریان بانک» تاجیکستان که از نزدیکان امامعلی رحمان، رئیس‌جمهور تاجیکستان نیز می‌باشد، برای کنیسه یهودیان اختصاص یافت. علاوه بر این، در این زمان تلاش‌های زیادی نیز برای برقراری پرواز مستقیم میان دوشنبه و تل‌آویو نیز صورت گرفته است. در ژوئن سال ۲۰۱۶ نیز یک هیات پارلمانی از رژیم صهیونیستی با حضور شرین هاسکیل، رئیس‌گروه دوستی پارلمان رژیم صهیونیستی و تاجیکستان، یوسف یانا نماینده کنست اسرائیل و کارمیلا شامیر، سفیر این رژیم در تاجیکستان، به دوشنبه سفر کردند.

به هر ترتیب به نظر می‌رسد از سال ۲۰۱۵ و تیرگی تدریجی روابط تاجیکستان با جمهوری اسلامی ایران و حذف گروه‌های اسلام‌گرا در این کشور از جمله حزب نهضت اسلامی، فضای مناسبی برای حضور پررنگ‌تر اسرائیل در این کشور فراهم شده باشد. از سوی دیگر، دولت تاجیکستان که از سال ۲۰۱۲ و پس از تصویب پروتکل موسوم به ۲۰-۳۲ اقدام به حذف تمام گروه‌های مخالف کرده، در کنار دیگر مشکلات از جمله مسائل اقتصادی، با بحران مشروعیت در داخل و فشارهای بین‌المللی در حوزه حقوق بشر از خارج مواجه شده است؛ بنابراین همانطور که گفته شد یکی از انگیزه‌های اصلی اسرائیل برای تقویت همکاری‌های خود با تاجیکستان، مقابله با نفوذ فرهنگی و سیاسی ایران در منطقه آسیای مرکزی و سیاست محاصره ایران در مرزهای شرقی و در ژئوکالچر خود است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

ایران و تاجیکستان دارای بیشترین قرابت فرهنگی و اشتراکات تاریخی، تمدنی و زبانی با یکدیگر بوده که همین امر سبب شکل‌گیری بستر ویژه همکاری و همگرایی در دیپلماسی فرهنگی میان دو کشور شده است. میراث مشترک تاریخی، آداب و رسوم

مشترک مانند قرارگرفتن دو کشور در متن جغرافیای فرهنگی نوروز و به ویژه زبان فارسی، فرصت‌های ویژه‌ای را برای پیگیری دیپلماسی فعال فرهنگی میان دو کشور ایجاد کرده که توانایی بر ساختن هویت مشترک میان ملل ایرانی و تاجیک در ژئوکالچر مشترک دو کشور را فراهم آورده است.

اما بهره‌گیری از فرصت‌های موجود بدون چالش هم نیست. به دلیل وجود چالش‌های در سطح داخلی و خارجی در ایران، مناسبات فرهنگی میان ایران و جمهوری تاجیکستان هنوز به بلوغ مطلوب و مبتنی بر ظرفیت‌های مشترک نرسیده است. هنوز راهبرد و سیاست مشخصی برای نوع روابط فرهنگی میان دو کشور از سوی ایران ارائه نشده است. در حقیقت جمهوری اسلامی ایران از طریق اجلاس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و سفرهای مکرر مقامات دو کشور به دنبال تعمیق روابط میان خود و این جمهوری آسیای مرکزی است. در حالی که برگزاری جلسه و دیدارها فاقد برنامه کاری و فرهنگی در راستای تقویت اشتراکات یاد شده ثمر چندانی نخواهد داشت. این درحالیست که رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بیشتر فعالیت‌های خود در تاجیکستان را در حوزه دیپلماسی فرهنگی و در بخش‌های آموزشی به ویژه دانشگاه‌ها و مدارس برای تربیت افکار دانش‌آموزان، دانشجویان، استادان و معلمان به ویژه نسل آینده این کشور از طریق ابزارهای رسانه‌های جمعی به ویژه رسانه‌های صوتی و تصویری در زمینه‌های دینی و مذهبی تمرکز کرده‌اند.

علی‌رغم فعالیت‌های گسترده فرهنگی رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران در تاجیکستان، تولیدات هنری و فرهنگی ایران به ویژه هنرهای دستی ایران با وجود تنوع، گستردگی، کیفیت و زیبایی در بازارهای تاجیکستان اندک است. فرش، صنایع دستی، مفاخر ادبی، اسطوره‌های ایرانی، خط فارسی و موسیقی سنتی ایرانی علی‌رغم ظرفیت‌های بالقوه‌ای که برای حضور موثر در تاجیکستان دارند اما از اثرگذاری قابل توجهی در این کشور برخوردار نیستند. این درحالیست که با وجود هزینه‌های زیاد تربیت و اعزام مبلغین دینی و فرهنگی و چاپ و انتشار کتب اسلامی اما نهادهای ایرانی مسئول دیپلماسی فرهنگی در عمل نتوانستند درک مناسبی از دیپلماسی فرهنگی کشور در تاجیکستان از طریق تلفیق آموزه‌ها و آداب و رسوم ایرانی و اسلامی ارائه دهند. در حالی که بسیاری از رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران در حال تقویت بازیگران غیر دولتی عرصه فرهنگی و هنری هستند اما جمهوری اسلامی ایران از حضور بازیگران غیردولتی در راستای افزایش قدرت نرم خود در این کشور بهره کافی نبرده است.

تسلط بیش از ۱۳۰ ساله روس‌ها بر منطقه آسیای مرکزی باعث شده است که فرهنگ و زبان روسی بخش جدایی ناپذیر از فرهنگ مردم این منطقه باشد. ترویج الفبای سیریلیک در کشور تاجیکستان سبب آن شد که این کشور از فرهنگ مکتوب تاریخی خود دور شود و منجر به نوعی بی‌هویتی فرهنگی در یک دوره نسبتاً طولانی شود. رقبای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران همواره خواستار توقف حضور و نفوذ این کشور در تاجیکستان و به طور کلی در آسیای مرکزی بوده‌اند. شاید بتوان رقیب اصلی فرهنگی ایران در تاجیکستان را ترکیه نامید که به دنبال مقابله با نفوذ فرهنگی و تمدنی ایران در منطقه است که البته مورد حمایت ایالات متحده آمریکا نیز می‌باشد. ایجاد شبکه‌های ماهواره‌ای مانند «اوراسیا» که ۲۴ ساعته در آسیای مرکزی و قفقاز به بخش برنامه می‌پردازد در راستای تعمیق روابط فرهنگی ترکیه با تاجیکستان است.

حضور موثر ایران در جمهوری تاجیکستان مستلزم دوری از رویکردهای ایدئولوژیک به منطقه است که با رویکردی واقع بینانه و با تأکید بر مناسبات فرهنگی و زبانی به پیگیری دیپلماسی فرهنگی خود در این کشور بپردازد. اگر ایران در راستای پیوندهای تاریخی و فرهنگی خود و در قالب یک رویکرد واقع گرایانه و عمل گرایانه به کشگری فعال در این کشور بپردازد به راحتی می‌تواند از موقعیتی برتر در مواجهه با رقبای منطقه‌ای خود مانند ترکیه، عربستان سعودی و اسرائیل در حوزه ژئوکالچر خود برخوردار شود. با توجه به شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی فرهنگی میان ایران و تاجیکستان، می‌توان پیشنهادات زیر را باهدف بهره‌گیری واقع گرایانه از فرصت‌ها و رفع یا کم اثرکردن چالش‌های یاد شده ارائه کرد:

جدول ۱. راهکارهای بهره‌گیری از فرصت‌ها و رفع چالش‌ها در دیپلماسی فرهنگی ایران و تاجیکستان

ردیف	راهکار و پیشنهاد	دستگاه مجری ^۱
۱	طراحی و تدوین برنامه جامع دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال منطقه آسیای مرکزی به طور عام و جمهوری تاجیکستان به طور خاص همراه با تقسیم کار ملی کلیه متولیان دیپلماسی فرهنگی کشور به ویژه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و رایزنی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	وزارت امور خارجه در همکاری با نهادهای فرهنگی و آموزشی کشور از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و...

۱. بر اساس قانون وظایف وزارت امور خارجه مصوب ۱۳۶۴/۰۱/۲۰ مجلس شورای اسلامی، کلیه مبادلات و تعاملات خارجی باید با هماهنگی وزارت امور خارجه صورت گیرد. بنابراین مقصود از دستگاه مجری در جدول راهکارها، صرف نظر کردن از نقش وزارت امور خارجه نیست بلکه دستگاه‌های مجری در چارچوب حدود وظایف و اختیارات خود باید در تعامل با وزارت امور خارجه و رعایت ملاحظات و پیشنهادات این وزارتخانه در خارج از کشور اقدامات لازم را بعمل آورند.

ردیف	راهکار و پیشنهاد	دستگاه مجری ^۱
۲	تقویت رویکردهای تمدنی نسبت به گسترش ارتباطات فرهنگی به ویژه در حوزه همکاری‌های دانشگاهی	سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه‌های هدف از جمله دانشگاه های تهران و فردوسی مشهد
۳	تبادل استاد و دانشجو میان دانشگاه‌های دو کشور به ویژه دانشگاه های تهران و فردوسی مشهد با دانشگاه ملی تاجیکستان و دانشگاه ملی خجند	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
۴	حمایت از چاپ و انتشار کتب عمومی و تاریخی و کتب درسی آموزشی به زبان فارسی در تاجیکستان	وزارت آموزش و پرورش
۵	حمایت مادی و معنوی از پایان‌نامه‌های مربوط به ایران‌شناسی در تاجیکستان	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
۶	طراحی و برگزاری جشنواره‌ها و هفته‌های سینمایی برای صادرات محصولات سینمای ایران و انتشار فیلم‌های تولید شده در کشور در سینماهای مطرح شهرهای دوشنبه، خجند، کولاب و باختر	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۷	حمایت از برگزاری کنسرت هنرمندان سنتی و پاپ ایرانی در تاجیکستان به ویژه برگزاری کنسرت در سالن ملی آیینی دوشنبه	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۸	برگزاری هفته‌های شعر فارسی در ایران و تاجیکستان از طریق حمایت از سفر هنرمندان و شعرای به نام ایرانی و تاجیک و ایجاد جشنواره مشترک شعر فارسی	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۹	ایجاد جایزه بین المللی شعر و ادبیات فارسی در جغرافیای نوروز با مشارکت کشورهای عضو	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۱۰	تقویت رویدادهای فرهنگی و هنری به زبان فارسی در مکان های تاریخی مانند آرامگاه رودکی، امیراسماعیل سامانی و... با هدف تقویت هویت مشترک تاریخی دو کشور	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۱۱	اتخاذ رویکرد واقع‌گرایانه در مواجهه با احزاب و گروه‌های اسلامگرا در تاجیکستان به ویژه توسط جامعه المصطفی العالمیه و مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی	وزارت امور خارجه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
۱۲	ارتباط عملگرایانه با احزاب و گروه‌های اسلامگرا با هدف تقویت نگاه مطلوب دولت تاجیکستان برای مقابله با اسلام سلفی و تکفیری از طریق تاسیس مراکز فرهنگی و مدارس تخصصی و حمایت از ظرفیت مراکز و مدارس همسو در تاجیکستان	وزارت امور خارجه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

منابع و مأخذ

- آدمی، علی و مهسا نوری (۱۳۹۲). دیپلماسی فرهنگی ترکیه در آسیای مرکزی: فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۹ (۸۳)، ۱-۲۷.
- اخوان منفرد، حمیدرضا (۱۳۷۹). ایدئولوژی در نظریه‌های انقلاب، ایدئولوژی، مفهوم و کارکردهای آن، پژوهشنامه متین، ۱۹ (۹)، ۴۴-۲۵.
- اخوان کاظمی، مسعود و حدیث مرادی (۱۳۹۰). دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی؛ فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۹ (۲)، ۴۳۳-۴۴۸.
- اژدری، لیلا؛ فرهنگی، علی اکبر؛ صالحی امیری، سیدرضا و محمد سلطانی‌فر (۱۳۹۶). مدل دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۱۸ (۳۸)، ۶۷-۱۰۲.
- برزینسکی، زیگنیو (۱۳۹۷). تخته شطرنج بزرگ، برتری ایالات متحده و الزامات ژئواستراتژیک‌اش، چاپ اول، تهران: انتشارات هفتان.
- پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری (۱۴۰۳)، قابل دسترسی در: <https://president.ir/fa/154201>
- جعفری، علی اکبر و محمد براریان (۱۳۹۸). جایگاه دیپلماسی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، مجله بین‌المللی پژوهش ملل، ۴ (۴۰)، ۱-۲۴.
- حق‌پناه، جعفر؛ عزیزاده، شیوا و سیمین شیرازی موگویی (۱۳۹۴). قدرت نرم ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، چاپ اول، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر تهران.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۶). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ پنجم، مشهد: انتشارات پایلی
- حاجیان، ابراهیم و حامد ایرانشاهی (۱۳۹۳). درآمدی بر دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر ایران.
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (۱۴۰۳). قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/57229>
- دهشیری، محمدرضا و مهدی طاهری (۱۳۹۵). دیپلماسی آموزشی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۲ (۹۴)، ۱-۴۲.
- رحمانی، منصور (۱۳۹۴). دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، ۶ (۱۸)، ۶۳-۹۰.
- رحمتی، رضا؛ جعفری، سیده کوثر و حسن رحیمی روشن (۱۳۹۹). تأثیر ژئوکالچر شیعه بر نظم منطقه‌ای مطالعه و جامعه موردی: راه پیمایی اربعین، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۱۰ (۳۷)، ۱-۲۳.
- رضایی، اسماء و فاطمه جان محمدی (۱۴۰۳). تبیین بنیان‌های ژئوکالچر دو مدرسه علی‌گره و دیوبندیه در شبه قاره هند، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۲۰ (۱)، ۸۲-۱۰۸.
- رئیس‌نژاد، آرش (۱۴۰۱). ایران و راه ابریشم نوین، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ستاری، قیام‌الدین (۱۳۸۸). بازیافت‌های تمدن ایرانی در تاجیکستان، فصلنامه رابزنی فرهنگی ج.ا. ایران در تاجیکستان، ۱۰ (۲۲)، ۳۷-۵۶.

سلاورزی زاده، صالح و بصیری، محمدعلی بصیری (۱۴۰۲). تحلیل کارآمدی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای آسیای مرکزی؛ مطالعه موردی ترکمنستان و تاجیکستان، فصلنامه نظریه‌پردازی راهبردی، ۱(۲)، ۱-۱۸.

سیمیر، رضا و احمدعلی مقیمی (۱۳۹۴). منافع ملی و شاخص‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست جهانی، ۴(۱)، ۷-۳۸.

شیخ الاسلامی، حسن (۱۳۹۶). دیپلماسی عمومی، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

صالحی امیری، سیدرضا و سعید محمدی (۱۳۸۹). دیپلماسی فرهنگی، چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس.

عبدالله، صفر (۱۳۹۱). وضعیت و دورنمای زبان فارسی و ایران شناسی در تاجیکستان، موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس).

عبداله‌خانی، علی (۱۳۹۰). طراحی الگوی ارزیابی نقش و کارکرد طبقه متوسط در امنیت و جنگ نرم، فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ، ۴(۱۶)، ۱۰۷-۱۲۶.

عبدی، عطا؛ آمره، محمد و افشین متقی (۱۴۰۱). بررسی روابط ایران و تاجیکستان از منظر هیدروپلیتیک و ژئوکالچر، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۱۸(۲)، ۳۵-۵۶.

فرجی‌نژاد، عبدالرضا؛ قربانی‌نژاد، ربیبا و عبدالله مهربان (۱۳۹۶). تأثیر جهانی‌شدن بر تقویت همگرایی در حوزه فرهنگی نوروژ، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۱۳(۴۶)، ۹۳-۱۲۰.

فرح‌بر، محسن (۱۴۰۳). نامه‌های ابوالقاسم لاهوتی و صدرالدین عینی، چاپ اول، تهران: انتشارات شیرازه‌کتاب‌ما. کالینز، کاتلین (۱۳۹۸). سیاست طایفه‌ای و گذار در آسیای مرکزی، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

کبریایی، علی (۱۳۹۰). اسلام سیاسی در آسیای مرکزی: بررسی فرصت‌ها و چالش‌های جمهوری اسلامی ایران، روابط فرهنگی، ۱(۳)، ۵۰-۸۶.

کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۴۰۰). سیاست خارجی دولت سیزدهم ایران در آسیای مرکزی: اولویت‌ها و راهکارهای پیشنهادی، گزارش راهبردی شماره ۹، موسسه مطالعات ایران و اوراسیا.

کولایی، الهه (۱۳۷۶). سیاست و حکومت در آسیای مرکزی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.

کولایی، الهه و یوسف باقری (۱۴۰۱). چالش‌های دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی، دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۵(۲)، ۲۸۹-۳۱۳.

گل‌رخسار، صفی (۱۳۷۵). گفتگو با گل رخسار شاعر معاصر تاجیکستان، نامه پارسی، شماره ۱.

متقی دستنایی، افشین و محمد آمره (۱۴۰۱). امکان‌سنجی تشکیل ائتلاف ژئوکالچر منطقه‌ای با محوریت جشن نوروژ، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی سیاسی، ۷(۴)، ۸۹-۱۱۴.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۰). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.

محمد شریفی، مجید (۱۳۸۸). انقلاب اسلامی ایران و بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی و قفقاز، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ۲۳(۲۶۱ و ۲۶۲)، ۷۱-۷۱.

- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- ملکیان، محسن (۱۳۹۱). روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان، دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، ۵(۱۱)، ۹۵-۱۱۴.
- مومنی، مجیدرضا و بهرنگ مودب (۱۳۹۸). ظرفیت‌ها و مولفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان، فصلنامه مطالعات آسیای جنوب غربی، ۲(۷)، ۱-۲۳.
- میرفخرائی، سیدحسن و مجید فیروزمندی بندپی (۱۳۹۶). دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز: فرصت‌ها و چالش‌ها، دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۰(۲)، ۴۳۳-۴۴۸.
- مینگ، جینگ لی (۱۳۹۰). قدرت نرم چین استراتژی چین در حال ظهور در سیاست بین‌الملل، ترجمه عسگر قهرمان پور، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- نوروزی، رحمت‌اله؛ قائد، محمدرضا؛ خداوردی، حسن و گارینه کشیشیان سیرکی (۱۴۰۲). نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال افغانستان و تاجیکستان (۱۴۰۰-۱۳۸۴)، فصلنامه مجلس و راهبرد، ۳۰(۱۱۶)، ۳۴۰-۳۰۳.
- نای، جوزف (۱۳۸۷). قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در روابط بین‌الملل، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- واعظی، محمود (۱۳۸۹). میانجیگری در آسیای مرکزی و قفقاز تجربه جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ونت، الکساندر (۱۳۸۵). نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، چاپ دوم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- همدانی، آریتا (۱۳۸۸). ماوراء النهر از آغاز تا امروز، مجله مطالعات ایراس، شماره ۴، بهار و تابستان.

Abdi, Ata, Amreh, Mohammad & Mottaqi, Afshin(2012). A Study of Iran-Tajikistan Relations from the Perspective of Hydropolitics and Geoculture. *International Journal of Geopolitics*, 18(2), 35-56. [In Persian]

Abdullah, Safar(2012). *The Status and Prospects of Persian Language and Iranology in Tajikistan*, Institute of Iran and Eurasia Studies (IRAS). [In Persian]

Abdollah Khani, Ali(2011). Designing a Model for Evaluating the Role and Function of the Middle Class in Security and Soft War. *Quarterly Journal of Cultural Strategy*, 4(16), 107-126. [In Persian]

Acharya, Amitav(2016). *Regionalism beyond EU-Centrism*, in: Tanja A. Börzel and Thomas Risse, The Oxford Handbook of Comparative Regionalism, Oxford: Oxford University Press.

Adami, Ali & Nouri, Mahsa(2013). Turkish Cultural Diplomacy in Central Asia: Opportunities and Challenges Ahead, *Quarterly Journal of Central Asian and Caucasus Studies*, 19(83), 1-27. [In Persian]

Akhavan Kazemi(2011). Cultural Diplomacy of the Islamic Republic of Iran in Central Asia; Opportunities and Challenges Ahead, *Quarterly Journal of Central Asian and Caucasus Studies*, 19(2), 433-448. [In Persian]

- Akhavan Monfared, Hamid Reza(2010). Ideology in Revolutionary Theories, Ideology, Its Concept and Functions, *Matin Journal of Research*, 19(9), 44-25. [In Persian]
- Azhdari, Leila, Farhangi, Ali Akbar, Salehi Amiri, Seyed Reza & Soltanifar, Mohammad(2017). Model of Cultural Diplomacy of the Islamic Republic of Iran, *Quarterly Journal of Culture-Communication Studies*, 18(38), 67-102. [In Persian]
- Brzezinski, Zbigniew(2018). *The Grand Chessboard: American Primacy and Its Geostrategic Imperatives*, 1st Edition, Tehran: Haftan Publications. [In Persian]
- Collins, Kathleen(2019). *Clan Politics and Transition in Central Asia. First edition*, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications. [In Persian]
- Dahshiri, Mohammad Reza & Taheri, Mehdi(2016). Educational Diplomacy of the Islamic Republic of Iran in Central Asia, *Quarterly Journal of Central Asian and Caucasus Studies*, 22(94), 1-42. [In Persian]
- Emomalirahmontj(2024),Instagram page, <https://www.instagram.com/reel/DAujktOIosW/?igsh=MX-RxbmJseGYyOHloMA==>.
- Eurasianet(2016). Tajikistan: Iran Gives Warm Welcome to Exiled Opposition Leader, <https://eurasianet.org/tajikistan-iran-gives-warm-welcome-to-exiled-opposition-leader>.
- Farahbar, Mohsen(2014). *Letters of Abolghasem Lahooti and Sadreddin Aini*, First edition, Tehran: Shirazeh Publications. [In Persian]
- Farajinejad, Abdolreza, Ghorbannejad, Ribaz & Mehraban, Abdullah(2017). The Impact of Globalization on Strengthening Convergence in the Cultural Sphere of Nowruz. *International Geopolitics Quarterly*, 13(46), 93-120. [In Persian]
- Frankopan, peter(2016). *The Silk Roads: A New History of the World*, Bloomsbury.
- Golrokhsar, Safi(1375). Interview with Golrokhsar, Contemporary Poet of Tajikistan, *Nameh Parsi*, No. 1. [In Persian]
- Hajiani, Ebrahim & Iranshahi, Hamed(2014). *An Introduction to the Cultural Diplomacy of the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Abrar Maaseer Iran. [In Persian]
- Hafeznia, Mohammad Reza(2017). *Principles and Concepts of Geopolitics*, 5th Edition, Mashhad: Papli Publications. [In Persian]
- Hamedani, Azita(2009). Transoxiana from the Beginning to the Present, *Journal of IRAS Studies*, No. 4, Spring and Summer. [In Persian]
- Haqpanah, Jafar, Alizadeh, Shiva & Shirazi Mogowi, Simin(2015). *Iran's Soft Power in Central Asia and the Caucasus*, 1st Edition, Tehran: Abrar Moaser Cultural Institute of International Studies and Research, Tehran. [In Persian]
- Hassan, Keshishian & Sirki, Garineh(2002). The Role and Position of Persian Language and Literature in the Cultural Diplomacy of the Islamic Republic of Iran Towards Afghanistan and Tajikistan (1400-1384). *Parliament and Strategy Quarterly*, 30(116), 340-303. [In Persian]

- IFP(2017). Tajikistan Opposed to Iran's Full SCO Membershi, <https://ifpnews.com/tajikistan-opposed-irans-sco-membership/>.
- Jafari, Ali Akbar & Bararian, Mohammad(2019). The Position of Iranian Diplomacy in Central Asia and the Caucasus, *International Journal of Nations Research*, 4(40), Volume 4. 1-24. **[In Persian]**
- Kebriac, Ali(2011). Political Islam in Central Asia: A Study of Opportunities and Challenges of the Islamic Republic of Iran, *Cultural Relations*, 1(3), 86-50. **[In Persian]**
- Koozegarkalji, Vali(2012). The Foreign Policy of the Thirteenth Iranian Government in Central Asia; Priorities and Proposed Strategies, Strategic Report No. 9, *Institute for Iranian and Eurasian Studies*. **[In Persian]**
- Koulayee, Elahe(2017). *Politics and Government in Central Asia*, First edition, Tehran: Samat Publications. **[In Persian]**
- Koulayee, Elaheh & Bagheri, Yousef(1401). Challenges of Cultural Diplomacy of Iran and Turkey in Central Asia, *Bi-Quarterly Journal of Central Eurasian Studies*, 15(2), 289-313. **[In Persian]**
- Mackinder, Halford J(1904). *The Geographical Pivot of History*, University of California, Berkeley: Royal geographical .
- Mackinder, Halford J(1942). *Democratic Ideals and Reality (A Study in the Politics of Reconstruction)*, Washington D. C: National Defense University Press.
- Mackinder, Halford J(1943). The Round World and the Winning of the peace, *Foreign Affairs*, 21, (4), 595-605.
- Malekian, Mohsen(2012). Cultural Relations between Iran and Tajikistan, *Bi-Quarterly Journal of Central Eurasian Studies*, 5(11), 95-114. **[In Persian]**
- Ming, Jing Li(2011). *China's Soft Power: China's Emerging Strategy in International Politics*, translated by Asgar Ghahramanpour, first edition, Tehran: Imam Sadeq University Press. **[In Persian]**
- Mirfakhraei, Seyed Hassan & Firouzmandi Bandpei, Majid(2017). Iran's Cultural Diplomacy in Central Asia and the Caucasus: Opportunities and Challenges, *Bi-Quarterly Journal of Central Eurasian Studies*, 10(2), 433-448. **[In Persian]**
- Mohammad Sharifi, Majid(1389). The Islamic Revolution of Iran and Islamic Fundamentalism in Central Asia and the Caucasus, *Political and Economic Information*, 23(261 and 262), 71-71. **[In Persian]**
- Mojtahedzadeh, Pirouz(1390). *Political Geography and Geographical Politics*, Fourth edition, Tehran: Samat Publications. **[In Persian]**
- Momeni, Majid Reza & Mudab, Behrang (2019). Capacities and Components of Soft Power of the Islamic Republic of Iran in Tajikistan, *Quarterly Journal of Southwest Asian Studies*, 2(7), 1-23. **[In Persian]**
- Moshirzadeh, Homeyra(2011). *Developments in the Theories of International Relations*, First Edition, Tehran: Samat Publications. **[In Persian]**

- Mottaghi Dastnaei, Afshin & Amreh, Mohammad(1401). Feasibility Study of the Formation of a Regional Geocultural Coalition Centered on the Nowruz Celebration, *Quarterly Journal of Political Geographical Studies*, 7(4), 89-114. **[In Persian]**
- Nye, Joseph S(2008). *Public Diplomacy and Soft Power*, The Annals of the American Academi of Political and Social Science, 616(1), 94-109.
- Nye, Joseph(2008). *Soft Power: Tools for Success in International Relations*, Translated by Mohsen Rouhani and Mehdi Zolfaghari, second edition, Tehran: Imam Sadeq University Press. **[In Persian]**
- Nye, Joseph S(2010). *The Future of Soft Power in US Foreign Policy*. in Inderjeet Parmar and Michael Cox (Eds.), *Soft Power and US Foreign Policy: Theoretical, Historical and Contemporary Perspectives*, London and New York: Routledge.
- Office for the Preservation and Publication of the Ayatollah Khamenei(1403), available at: <https://khl.ink/f/57229> . **[In Persian]**
- Presidential Information Database(1403), available at: <https://president.ir/fa/154201> . **[In Persian]**
- Rahmani, Mansour(2015). Public Diplomacy and Foreign Policy, *Quarterly Journal of Strategic Studies of Globalization*, 6(18), 63-90. **[In Persian]**
- Rahmati, Reza, Jafari, Seyedeh Kausar & Rahimi Roshan, Hassan(2019). The Impact of Shiite Geoculture on Regional Order: A Case Study and Society: The Arbaeen March, *Journal of Islamic Revolution Research*, 10(37), 1-23. **[In Persian]**
- Raeisinejad, Arash(2001). *Iran and the New Silk Road*, First edition, Tehran: Tehran University Press. **[In Persian]**
- Reuters(2017). Tajikistan accuses Iran of involvement in 1990s civil war: TV documentary, <https://www.reuters.com/article/world/tajikistan-accuses-iran-of-involvement-in-1990s-civil-war-tv-documentary-idUSKBN1AP0ZF/> ,
- Rezaei, Asma & Janmohammadi, Fatemeh(2016). Explaining the Geocultural Foundations of the Two Schools of Aligarh and Deoband in the Indian Subcontinent, *Geopolitics Quarterly*, 20(1), 82-108. **[In Persian]**
- Salavarzizadeh, Saleh & Basiri, Mohammad Ali Basiri(2002). Analysis of the Effectiveness of the Cultural Diplomacy of the Islamic Republic of Iran in Central Asian Countries; A Case Study of Turkmenistan and Tajikistan, *Quarterly Journal of Strategic Theory*, 1(2), 1-18. **[In Persian]**
- SalehieAmiri, Seyed Reza & Mohammadi, Saeed(2010). *Cultural Diplomacy*, First Edition, Tehran: Qoqnos Publications. **[In Persian]**
- Sattari, Qiyamoddin(2009). The Recovery of Iranian Civilization in Tajikistan, *Quarterly Journal of Cultural Consultation of the Islamic Republic of Iran in Tajikistan*, 10(22), 56-37. **[In Persian]**
- SheikhholIslami, Hassan(2017). *Public Diplomacy*. Volume 2, First Edition, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications. **[In Persian]**

Simber, Reza & Moghimi, Ahmad Ali(2015). National Interests and Indicators of Cultural Diplomacy of the Islamic Republic of Iran, *Quarterly Journal of World Politics*, 4(1), 7-38. **[In Persian]**

UNHCR(2018). <https://webarchive.archive.unhcr.org/20230521233707/https://www.refworld.org/docid/5bc04ee98.html> .

Vaezi, Mahmoud(2009). *Mediation in Central Asia and the Caucasus: The Experience of the Islamic Republic of Iran*, second edition, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Press. **[In Persian]**

Wenet, Alexander(2006). *Social Theory of International Politics*, translated by Homeira Moshirzadeh, second edition, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications. **[In Persian]**



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

